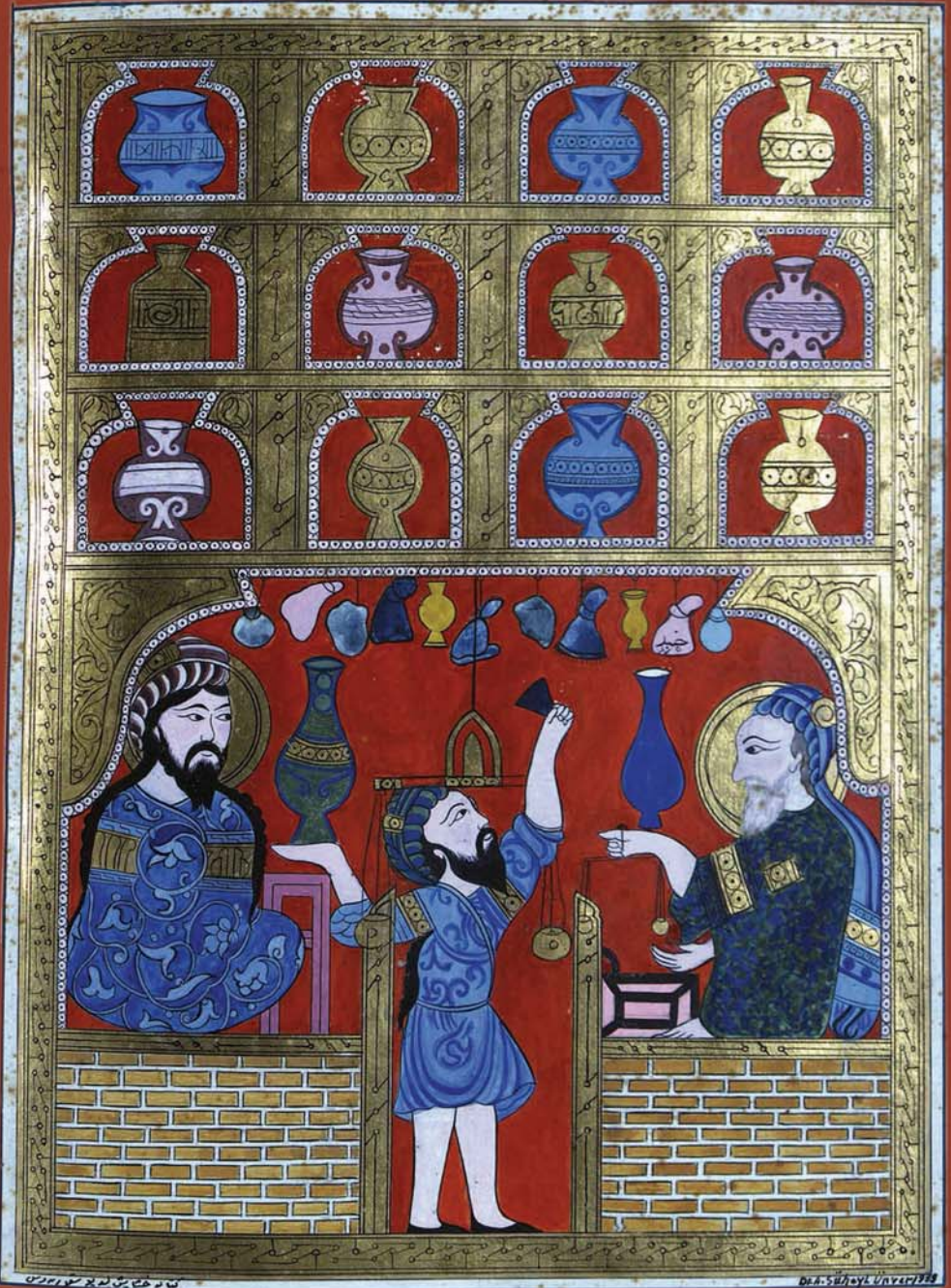


فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ | انتشار بهار ۱۳۹۹

سرسختن؛ میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تغییرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنش • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌ابراهیم صادقی • فرمان جهانشاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۸۶ق) / عبداللین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / مصدقین کویس • تسخانی تازویافت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سوسد قلاسی • «بِسْکُو» یا «بِسْکُو»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌بده / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجویی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملی، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / مصدقین کویس • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصیرزاده نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حسانه ملی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهشتل حسی • پاسخ به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز. در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می شود. بر روی یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته شده که به ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سر سخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۲-۵

بجستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۶-۷

کتاب المصاخر ابوعلی تیزانی / علی اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ الحکامی..... ۹-۱۲

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان نویسی / نایب شیرازی..... ۱۳-۱۵

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۱۶-۲۷

نسخه ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۲۸-۳۱

دستنویس کهن قابوس نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۳۲-۴۶

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۷-۴۹

سپه سار برن تابید پیه / مریم میرشمسی..... ۵۰-۵۲

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۳-۵۴

کهن ترین نمونه های شناخته شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن بادستگاه آل جلاپیر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق قلعه..... ۵۵-۸۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۸۶-۱۰۰

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۰۱-۱۱۲

بخش هایی از انیس الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۳-۱۱۵

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۱۶-۱۲۰

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۱-۱۲۵

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه قاره هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۲۶-۱۳۷

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی زاده..... ۱۳۸-۱۵۴

نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زبده الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۵۵-۱۶۳

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۴-۱۶۷

پژوهش های دبستان

ریشه شناس چه می کند؟ (۴) / سید احمد رضا قائم مقامی..... ۱۶۸-۱۷۴

ایران در متون و منابع عثمانی

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۵-۱۷۷

دوره نوسازی پشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۷۸-۱۹۰

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۱-۱۹۹

۲. کوچانده شدن هنرمندان و صنعتگران شهرهای اشغال‌شده تبریز و بغداد، توسط تیمور، به محدوده حکومتی تیموریان و همچنین پشتیبانی شاهرخ و به‌ویژه فرزندش بایسنغر از هنرمندان و دعوت ایشان به خراسان با مرکزیت هرات در آن دوره.

یکی از کهن‌ترین و فنی‌ترین متونی که درباره خوشنویسی ایرانی نوشته شده تحفة‌المحبین نگاشته ۸۵۸ ق است. نویسنده در بخشی از کتاب خود به توصیف انواع خطوط و نام‌آوران این شیوه پرداخته و به دو گونه نستعلیق شیرازی و تبریزی چنین اشاره کرده است:

نسخ تعلیق تبریزی و شیرازی: که «طریق تبریزی» موضوع خواجه میرعلی تبریزی است و مولانا جعفر تبریزی بایسنغری به نهایت آن موفق گشته. و «طریق شیرازی» که وضع آن هم از اقلام اهتمام اساتذۀ شیراز در سلک خطوط انحراط یافته و استاد این ضعیف، به مرتبه‌ای نازک نوشته که عقل از ادراک چگونگی قلم آن به صد گونه قصور اعتراف می‌نماید. و حضرت استاد محرر این رساله می‌فرمودند که این نوع خط چنان می‌باید نوشت که در هر حرفی، هم ملاحظه اصول نسخ کرده باشند و هم رعایت اصول تعلیق. (سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴۲)

چنانکه می‌بینیم در ویژگی‌های شیوه شیرازی به نازک نوشتن و همچنین ملاحظه اصول نسخ و تعلیق به صورت همزمان اشاره شده است.

سراج شیرازی در جای دیگر کتابش شیوه تبریزی را دقیق‌تر توصیف کرده است:

... و چون سخن در این محلّ به ذکر خط نسخ تعلیق تبریزی منجر شد، در بیان اصول آن ایمانی می‌رود. حال آنکه اصول این خط مطلقاً حکم اصول ثلث دارد و از دوایر «ج» و «ع» آن خط، «نون» می‌باید که حاصل شود و حرف «یا» در آن خط می‌باید که بعینه سه دال باشد. و کشش که در آن خط واقع می‌شود به همان منوال می‌باید که در خطوط اصول گفته شد. و در اینجا چون بیشتر فارسیات به این خط نوشته می‌شود کشیدن نیزه و تیر و شمشیر و شمع و سرو و امثال ذلک مناسب می‌باشد. (سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۹۳).

در عبارت بالا، اشاره به یکسانی اصول نستعلیق تبریزی با

به یاد استاد دکتر مهدی بیانی

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ ق

و ارتباط آن با دستگاه آل‌جلایر در تبریز و بغداد

علی صفری آق‌قلعه

پژوهشگر متون، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
alisafari_m@yahoo.com

مدخل

از حدود سده هفتم هجری شیوه‌ای از نگارش به قلم تعلیق خفی در میان کاتبان رواج یافت که رفته‌رفته با ایجاد تغییراتی، از حدود نیمه دوم سده هشتم، به یک خط جدید بدل گشت و «نسخ تعلیق» نامیده شد. تغییرات منجر به ابداع شیوه تازه، تقریباً همزمان در دو مرکز عمده کتاب‌آرایی ایران به دو شیوه مختلف جلوه‌گر شد:

۱. شیوه شیرازی: که بنیان‌های آن در دوره اینجویان و آل‌مظفر نهاده شد و در دستگاه تیموریان فارس (اسکندر بن عمرشیح و ابراهیم میرزا بن شاهرخ) به اوج رسید.
۲. شیوه تبریزی: که در دو مرکز اصلی حکومت جلایریان یعنی تبریز و بغداد ابداع شد.

اگرچه از شیوه شیرازی نمونه‌های نسبتاً بیشتری بر جای مانده، شواهد نشان می‌دهد که کاربرد شیوه شیرازی از نخستین دهه‌های سده نهم رو به کاستی نهاده و در نیمه سده نهم تقریباً منسوخ شده است. اما شیوه تبریزی از آغاز سده نهم در بسیاری از نقاط ایران رواج یافت و از نیمه دوم سده نهم، به اصلی‌ترین قلم مورد توجه ایرانیان در همه مناطق بدل شد. گمان می‌رود که رواج شیوه تبریزی دو علت عمده داشته است:

۱. زیباتر بودن این شیوه نسبت به شیوه شیرازی.

خطّ ثلث اهمیت دارد. نیز اینکه دوایر حروف جیم و عین باید مانند نون، مدور باشد. تفسیر این توصیفات چنین است که نستعلیق تبریزی، مطابق اصول قلم ثلث، دور بیشتری دارد و دوایر حروف مدور در آن مایل به کشیدگی یا بیضوی نیست. بررسی کتاب سراج شیرازی نشان می‌دهد که او در شناسایی مباحث نظری خوشنویسی بسیار متبحر بوده و سه نمونه کتابت برجای مانده از وی^۱ نشان می‌دهد که عملاً خوشنویسی چیره‌دست نیز بوده است. مهم‌تر از همه اینکه آنچه او یاد کرده با عموم شواهد تأیید می‌شود.

جز سراج شیرازی، دیگران نیز کمابیش در ادوار گوناگون به دو گونه نستعلیق تبریزی و شیرازی اشاره کرده و آن را پذیرفته‌اند. برای نمونه، درویش محمد بن دوست محمد بخارایی (زاده ۹۷۶ ق) در رساله فوائد الخطوط که نگاشته ۹۹۵ ق است درباره دو شیوه شیرازی و تبریزی آورده:

... بدان که جمعی از تبریز در طریق شیرازیان تصرف کرده‌اند و آن را اندک اندک باریک می‌ساختند و اصول و قواعد وضع می‌کردند اما به خواجه میرعلی التبریزی مسلم گشت وضع این خط. (بخاری، ۱۳۷۲: ۴۳۴)

بنابراین، بررسی قلم نستعلیق بدون در نظر گرفتن شاخه‌های گوناگون آن، قطعاً با کاستی رویاروی خواهد شد. برای نمونه الین رایت در یکی از مقالات و نیز رساله دکتری‌اش (منتشر نشده)، با بررسی ۴۶ نسخه از سده هشتم هجری، به این نتیجه رسیده که «این خط [نستعلیق] نه به باور رایج، از ترکیب نسخ و تعلیق، بلکه تنها از خط نسخ برآمده است» (بلر، ۱۳۹۶: ۳۱۷). از قرائنی که در همان منبع آمده است می‌توان دانست که احتمالاً همه نسخه‌های مورد رجوع الین رایت از نمونه‌های شیرازی بوده‌اند و لذا وی این قلم را بیشتر برگرفته از نسخ دانسته است تا تعلیق. از سویی، چون نمونه‌های شیوه تبریزی از سده هشتم بسیار کمیاب هستند، او با آثار این شاخه آشنایی چندانی نداشته و لذا نتیجه‌گیری او ناقص است و صرفاً برای شیوه شیرازی مصداق دارد. ضمن اینکه عدم آشنایی رایت با شیوه تعلیق شیرازی در سده هشتم موجب شده است که او نستعلیق را صرفاً برگرفته از نسخ بداند.

۱. درباره سه کتابت موجود از او مقاله‌ای به قلم نویسنده این سطور منتشر خواهد شد.

نکته دیگر آنکه الین رایت در تأیید نظرش درباره نشأت گرفتن نستعلیق از نسخ، عبارت زیر را به عنوان سند نقل کرده و نگارش آن را از حدود سال ۸۳۳ ق دانسته است:

... باید دانست که نسخ تعلیق اصل او «نسخ» است؛ جماعتی شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون بردند و سین قوسی و کثرت مدات از خطوط دیگر در او درآوردند و غث و سمین در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند. و مدتی بر آن گذشت، بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند تصرف کردند و آن را اندک اندک نازک می‌ساختند و اصول و قواعد آن وضع می‌کردند تا نوبت به خواجه امیر علی التبریزی - شکر الله سعیه - رسید و او این خط را به کمال رسانید.

بند پیشین از رساله‌ای نقل شده که حبیب‌الله فضائلی در کتاب تعلیم خط به عنوان رساله خط اثر جعفر بایسنغری آورده است (فضائلی، ۱۳۶۰: ۲۶۵). این سند در واقع عبارتی کوتاه از پایان رساله‌ای است که به فتح‌الله سبزواری منسوب شده و دست‌کم سه بار، با نام «اصول و قواعد خطوط سته»، منتشر شده است (سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۳۷؛ همو، ۱۳۹۱: ۷۸۹-۷۹۰). بنابراین، انتساب این رساله به جعفر و تعیین تاریخ ۸۳۳ ق برای آن مستند به هیچ مدرکی نیست.^۲ ضمناً الین رایت بدین نکته توجه نکرده که نویسنده این رساله به تصرف اندک اندک تبریزیان در شیوه شیرازی، تا زمان امیر علی تبریزی، اشاره کرده است که

۲. عبارات منقول در بالا در چاپ استاد ایرج افشار موجود نیست (سبزواری، ۱۳۴۲)، اما کهن‌ترین و اصیل‌ترین نسخه اثر (ش ۶۴۲ کتابخانه سنا، بی تا - حدود اواخر سده ۹ ق) عبارت یادشده را دارد (گ ۲۱ ر) و لذا الحاقی نیست. با توجه به قدمت نسخه سنا، تألیف این رساله در حدود اواخر سده ۹ ق و با توجه به اقدم نسخه‌های تاریخ‌دار اثر، قطعاً پیش از ۹۳۰ ق بوده است (سبزواری، ۱۳۹۱: ۷۵۴). متأسفانه بلر در این زمینه دچار اشتباه شده و سال تألیف (compose) رساله را ۹۵۵ ق ذکر کرده و به ترجمه مینورسکی از گلستان هنر ارجاع داده است (بلر، ۱۳۹۶: ۳۳۲؛ BLAIR, 2006: 288). این اشتباه ظاهراً از آنجا ناشی شده که زاخودر (B. N. Zakhoder) در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه مینورسکی، به نسخه‌ای از اثر (به نشانی MS. Or. B551 در کتابخانه مؤسسه پژوهش‌های شرق‌شناسی فرهنگستان شوروی، مورخ ۹۵۵ ق) استناد کرده و صرفاً تاریخ کتابت نسخه را درج کرده (MINORSKY, 1959: 19)، ولی بلر آن را تاریخ تألیف پنداشته است.

۳. گویا نخستین شخصی که چنین انتسابی را مطرح کرده فضائلی است که بخش‌هایی از رساله را بر مبنای نسخه کتابخانه سنا چاپ کرده است. او برای انتساب رساله به جعفر بایسنغری دلایلی سست آورده و شماره نسخه را نیز نادرست ضبط کرده است (فضائلی، ۱۳۶۰: ۲۶۷-۲۶۸). الین رایت، ظاهراً به علت ناآگاهی از ماهیت اصل سند (رساله فتح‌الله سبزواری) این انتساب را پذیرفته است.

میرعلی تبریزی و وضع قلم نستعلیق

در متونی که به تاریخچه خوشنویسی پرداخته‌اند، وضع و ابداع خط نستعلیق به میرعلی تبریزی نسبت داده شده است.^۳ این باور که به صورت افواهی یا از راه منابع مکتوب در ادوار گوناگون تکرار شده، از اوایل سده نهم رواج یافته است اما چنانکه پژوهشگران معاصر با توجه به برخی اسناد تذکر داده‌اند، چندین کاتب و خوشنویس در این دوره به همان شیوه‌ای نوشته‌اند که در نمونه‌های بازمانده از میرعلی تبریزی دیده می‌شود و با توجه به همزمان بودن آن کاتبان، می‌توان قلم نستعلیق را حاصل تلاش همگی این هنرمندان به شمار آورد (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۴۳؛ قمی، ۱۳۵۹: شانزده). ضمن اینکه در اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم، دست‌کم دو «علی» با نسبت «تبریزی» به کتابت نستعلیق پرداخته‌اند و علی‌الظاهر معاصر بودن و شباهت در نام و نسبت، موجب اشتباهاتی در ادوار بعدی شده و آنها را یکی دانسته‌اند.

مهدی بیانی اشاره کرده که جعفر بن علی تبریزی بایسنغری در قطعه‌ای که اکنون در مرقع گلشن (نسخه ۱۶۶۳-۱۶۶۴ کتابخانه کاخ گلستان) مندرج است، عبارتی آورده که نام دقیق واضع الاصل را، طبق نظر وی، نشان می‌دهد:

کتبه العبد المذنب جعفر الکاتب تجاوز الله عنه علی طریق
واضع الاصل علی بن حسن السلطانی رحمه الله... (بیانی،
۱۳۶۳: ۱۲۰، ۴۴۲)

چون جعفر بایسنغری در اواخر سده هشتم زاده شده و به احتمال بسیار محضر استادان آن دوره را درک کرده است،^۴ می‌توان نوشته او را قابل استناد دانست. نیز چون وی خوشنویس طراز اول دربار شاهرخ و بایسنغر تیموری بوده و شاگردان بسیاری تربیت کرده است، احتمالاً منشأ این باور در میان خوشنویسان ادوار بعدی نیز او و شاگردان اویند. با این حال، در عبارت جعفر هیچ تصریحی به سیادت^۵ «علی بن حسن السلطانی» دیده نمی‌شود.

۳. برای نمونه نک. سراج شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴۲؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۸، ۹۴، ۱۳۷ و...؛ قمی، ۱۳۵۹: ۵۷، ۷۲.

۴. بیانی آثاری از وی از تاریخ ۸۱۶ ق گزارش کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۱۱۸، ۱۲۲).
۵. مقصود نسبت «میر» است که از سده نهم عمدتاً به سادات اطلاق می‌شد. تبدیل «میرعلی» به «امیرعلی» در برخی آثار ادوار متأخرتر دیده شده که علی‌الظاهر قابل اعتنا نیست.

قاعدتاً باید پیش از دوره میرعلی، یعنی حدوداً در نیمه دوم سده هشتم، باشد و نه پس از آن. بنابراین، با توجه به منابع نوشتاری و همچنین نمونه‌های موجود از شیوه تبریزی، باید این شیوه را به عنوان یکی از دو شیوه نگارش نستعلیق مورد توجه قرار داد. با اینکه بلر در بررسی مسائل گوناگون مرتبط با خوشنویسی دوره اسلامی به مباحث بسیار سودمندی پرداخته، اما در شناساندن منشأ نستعلیق، به مندرجات نوشته‌الین رایت بسنده کرده و چیزی به موضوع نیفزوده است.

چون نمونه‌های نستعلیق شیرازی را در نوشته‌ای دیگر بررسی خواهیم کرد، در اینجا فقط به معرفی اقدم نمونه‌های نستعلیق تبریزی خواهیم پرداخت. تنها یادآور می‌شویم که برای گونه‌شناسی نستعلیق تبریزی در میانه سده نهم و پس از آن نیز باید بخش‌بندی‌هایی قائل شد که پرداختن بدان نیازمند نگارش مقالات دیگری است.^۱

نستعلیق تبریزی

از سال‌ها پیش، کارشناسان و پژوهشگران هنر خوشنویسی ایرانی می‌دانستند که کهن‌ترین نمونه‌های ساختارمند بازمانده از نستعلیق تبریزی در نیمه دوم سده هشتم پدید آمده است، اما در آثار ایشان فقط سه-چهار نمونه تاریخ‌دار پیش از سال ۸۰۰ ق شناسانده شده بود. در اینجا به شناساندن چندین نمونه تازه یاب خواهیم پرداخت. عمده نمونه‌ها، یافته نویسنده این سطور در سال‌های اخیر است و سه نسخه را دوست گرامی، پژمان فیروزبخش، یادآور شد.^۲ اما پیش از معرفی نمونه‌ها باید مختصری درباره «میرعلی تبریزی» بنویسیم.

۱. به برخی بخش‌بندی‌های مطرح‌شده پیشین نیز باید با دید انتقادی نگریست. برای نمونه، در مدخل «خوشنویسی» دانشنامه ایرانیکا نستعلیق ایرانی به دو گونه خراسانی یا نستعلیق شرقی (به نمایندگی جعفر و اظهر) و نستعلیق غربی (به نمایندگی عبدالرحمن خوارزمی و دو پسرش) بخش شده است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۷۱). این بخش‌بندی در واقع شکل تعمیم‌یافته بدون ارجاع از توصیفی است که مهدی بیانی درباره شیوه عبدالرحیم انیسی خوارزمی و اختلاف آن شیوه با آثار جعفر و شاگردانش آورده (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۸۴-۳۸۶) و آن هم ظاهراً برگرفته از «دیباچه قطب‌الدین محمد قصه خوان» است (قصه‌خوان، ۱۳۷۲: ۲۸۲). بنابراین به میانه سده نهم و به خصوص نیمه دوم آن مربوط می‌شود که در آن نیز جای گفت‌وگو هست.

۲. این سه نمونه در خلال مقاله به نام ایشان شناسانده خواهد شد. ایشان یافته‌های خود از اقدم نمونه‌های نستعلیق را از سر لطف در دسترس نهاد که چون بقیه مربوط به پس از ۸۰۰ ق است در نوشته کنونی بدانها نپرداختیم.

از میان آثار کهن نستعلیق، گویا تنها نمونه شناخته‌شده که در رقم آن نام «علی بن حسن السلطانی» درج شده، دستنویسی بسیار نفیس از خسرو و شیرین نظامی (به نشانی F1931.29 گالری هنر فریر، بی‌تا) است. در «تصویر ۱»، انجامه نسخه را می‌بینیم.^۱ متأسفانه این صفحه دچار آسیب شده و تاریخ کتابت آن آسیب دیده است. انجامه نسخه چنین خوانده می‌شود:

والحمد لله على الاتمام والصلوة والسلام على محمد [ولیه] و
نبیه خیر الانام و علی آله و عترته البررة العز الکرام. از گفتار
افضل الحکما و [ملح الشع] رأ فرید دهره و وحید عصره
شیخ اوحدالدین نظامی گنجه [ای]... [طاب] مٹوا. حرره
العبد الراجی الی العفو الربانی علی ابن حسن السلطانی
فی... تجاوز الله عن سیئاته بدار السلطنة تبریز حماها الله
تعالی عن الآفات والحدثان.

چنانکه می‌بینیم، در رقم خود کاتب نیز نسبت «میر» دیده نمی‌شود. البته چون این نسخه در تبریز کتابت شده، قاعدتاً می‌توان نسبت «تبریزی» را به نام «علی بن حسن السلطانی» افزود. بنابراین چون این کاتب علی نام داشته و در تبریز نیز بوده، احتمالاً بر اثر خلط با میرعلی دوم که به وی اشاره خواهد شد، جزو «میر» نیز به نام وی افزوده شده است.

اما نفر دومی که در همان دوره می‌زیسته «میرعلی بن الیاس التبریزی الباورچی» است که دستنویس بسیار نفیس مشهور از سه منظومه خواجوی کرمانی (نسخه 18113 add کتابخانه بریتانیا، مورخ ۷۹۸ق) را در بغداد کتابت کرده است.^۲ تصویر انجامه منظومه کمال‌نامه از این مجموعه را، چون حاوی صورت کامل‌تری از نام اوست، در «تصویر ۲» آورده‌ایم. بخش مرتبط با تاریخ کتابت و نام وی چنین خوانده می‌شود:

تمّ الكتاب الموسوم بکمال‌نامه... فی ثامن عشرین
جمادی الاول سنة ثمان و تسعین و سبعمائة الهجرية الهلالية
علی يد العبد اضعف الناس میرعلی بن الیاس التبریزی
الباورچی غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما.

می‌بینیم که این شخص «میر» را در آغاز نامش یاد کرده و نسبت تبریزی هم دارد، اما نام پدر وی (الیاس) با نام پدر «علی بن حسن السلطانی» که جعفر بایسنغری یاد کرده یکسان نیست

۱. تصویر سرلوحه نسخه در خوشنویسی اسلامی چاپ شده است (بهر، ۱۳۹۶: ۳۲۱).
۲. اشاره به دارالسلام بغداد در انجامه همایون‌نامه (گ ۴۹ر) دیده می‌شود. این نسخه به صورت عکسی چاپ شده است (خواجوی کرمانی، ۱۳۹۳).

و قاعدتاً نباید این دو تن یکی باشند.

با توجه به شیوه خط خسرو و شیرین گالری فریر، می‌توان آن را از آثار اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم دانست و اگر کاتب نسخه همان شخص مورد نظر جعفر بایسنغری باشد، با معیارهای آن دوره نمونه‌ای خوش و استادانه نوشته است، اما نسبت به نمونه‌هایی چون خط میرعلی بن الیاس تبریزی برتری چندانی ندارد و بلکه فروتر است. در برخی نمونه‌های دیگر که خواهیم دید نیز کمابیش همین حکم صادق است و لذا این باور که «میرعلی» در خط نستعلیق «واضع الاصل» بوده اغراق‌آمیز است. به همین دلیل بسیاری از پژوهشگران معاصر، باور منابع مکتوب را چنین تعدیل کرده‌اند که نستعلیق تبریزی توسط چند تن پدید آمده، اما میرعلی / علی بن حسن قواعد آن را تبیین کرده است.

قدیم‌ترین نمونه‌های شناسانده شده نستعلیق تا پیش از این

گویا کهن‌ترین نمونه نستعلیق تبریزی، که پژوهشگران پیشین بدان اشاره کرده‌اند، دستنویسی است که نخستین بار احمد سهیلی خوانساری تصویر صفحه انجامه آن را در مقدمه کتاب گلستان هنر چاپ کرد و مشخصاتش را صرفاً «شرح مختصر قاضی عضد» یاد کرد، بی‌آنکه در مقدمه بدان پردازد یا نشانی آن را یاد کند (قمی، ۱۳۵۹: هفده).

نسخه مورد اشاره سهیلی دستنویسی از شرح مختصر الاصول از قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد ایچی (نسخه ۳۷۳۰ کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی، مورخ ۷۸۵ق به قلم نجم‌الدین الکرخینی) است.^۳ انجامه نسخه را در «تصویر ۳» می‌بینیم که چنین خوانده می‌شود:

تمّ الكتاب قراه و کتابه [ظ: قراءه و کتابه] یوم الاحد لاثنین
خلیا من جمادی الاولى لسنة خمس و ثمانین و سبعمائة
هجریة بمدينة تبریز بمحله الافرنج و الحمد لله رب العالمین
و الصلوة علی محمد و آله الطاهرين | علی یدی اضعف العباد
المحتاج الی رحمة ربّه الغنی نجم‌الدین الکرخینی.

نسخه در فهرست کتابخانه، بدون اشاره به اهمیت آن از دیدگاه

۳. نسخه در سال ۱۳۶۲ فهرست‌نویسی شده و احتمالاً در زمان دسترسی سهیلی خوانساری به نسخه، هنوز به کتابخانه مرعشی منتقل نشده بوده یا شماره آن مشخص نبوده است.

۲۱۸۴ در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. انجامه کاتب در میانه نسخه (ص ۷۰۵) درج شده که در «تصویر ۴» آن را می‌بینیم. عبارات انجامه چنین است:

کتبه العبد الضعیف علی سبیل الاستعجال المحتاج الی عفو ربّه الرؤوف معروف احسن الله حاله والحمد لله رب العالمین.

متأسفانه این انجامه تاریخ را نشان نمی‌دهد و فقط با توجه به عناوین برخی شعرهای سلطان احمد جلایر در خلال جنگ^۱ می‌توان دانست که در دوران حکومت وی (۷۸۴-۸۱۳ ق) کتابت شده و بیانی نیز بدین نکته توجه داشته‌است.

نویسنده این سطور نسخه را از نزدیک ندیده و فقط تصویر نامطلوبی از آن در دسترس دارد، اما با توجه به شیوه تذهیب سرلوحه‌ها می‌توان گفت که این نسخه به احتمال بسیار در شیراز نگارش یا تکمیل شده‌است.^۲ بنابراین، اگرچه ممکن است تخمین دوم بیانی (۷۸۴-۷۸۸ ق) درست باشد، اما دلیلی قطعی برای پذیرش آن نداریم و ممکن است نسخه پس از سال ۸۰۰ ق کتابت شده باشد.

گفتنی اینکه بیانی نسخه‌ای بی‌رقم از دیوان سلمان ساوجی در اختیار داشته که اکنون به شماره ۱۸۸ در کتابخانه سنا نگهداری می‌شود. او در یادداشتی که به سال ۱۳۴۲ ش در آغاز نسخه نوشته، با توجه به شیوه خط، آن را از کتابت‌های معروف بغدادی دانسته و جواد بشری در یادداشتی بدین نکته توجه داده‌است (بشری، ۱۳۹۷: ۱۲۵). با توجه به اینکه چاپ احوال و آثار خوشنویسان از سال ۱۳۴۴ ش آغاز شده و در آنجا اشارتی بدین نسخه نیست، شاید بیانی در این هنگام از این نظر خود بازگشته بوده و یا آن را قابل طرح ندانسته‌است؛ هرچند فراموشی و از قلم افتادن این نسخه هنگام یادکرد آثار معروف بغدادی نیز نامحتمل نیست.

۱. عبارتی چون: «من کلام سلطان احمد بغدادی خلد الله ملکه».
۲. نوع آرایش حواشی صفحات با نمونه‌های شیراز در دستگاه اسکندر میرزا فرزند عمر شیخ (حک. ۸۱۳-۸۱۷ ق در حوزه حکومتی فارس) همسانی دارد. از سویی، چنانکه بیانی اشاره کرده‌است، معروف بغدادی پس از جدا شدن از دربار سلطان احمد، به دربار اسکندر میرزا پیوست و لذا احتمال کتابت اثر در این دوره و منطقه قوی‌تر می‌نماید. مشکلی که در این میانه بر جای می‌ماند آن است که سال مرگ سلطان احمد (۸۱۳ ق) دقیقاً همان سال آغاز حکومت اسکندر میرزا است، بنا بر این ممکن است معروف بغدادی نسخه را پیش از درگذشت سلطان احمد آغاز کرده و اندکی بعد در دستگاه اسکندر میرزا تکمیل کرده باشد.

تاریخ خط، شناسانده شده (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۲۷) و تصویر صفحات آغاز و انجامه آن (به شماره ۵۰ و ۵۱) در پایان فهرست چاپ شده‌است.

از کاتب این نسخه تا کنون سه نسخه دیگر شناسایی شده که در دنباله مقاله بدانها خواهیم پرداخت. وی در انجامه یکی از نسخه‌ها نام خود را «نجم الدین الطیب الکرخینی» ضبط کرده که نشان می‌دهد به طبابت نیز می‌پرداخته‌است.

سهیلی در مقدمه گلستان هنر، ضمن دلایل ردّ عقیده وضع نستعلیق توسط میرعلی تبریزی، به نسخه مثنویات خواجوی کرمانی (کتابخانه بریتانیا، مورخ ۷۹۶ ق) نیز اشاره کرده که باز از اقدم نمونه‌های شناخته‌شده نستعلیق در آن روزگار است. وی در آنجا به درستی اشاره کرده‌است:

کتاب‌هایی که در نیمه دوم قرن هشتم تحریر یافته نشان می‌دهد که این خط [= نستعلیق] در سی سال آخر قرن هشتم رایج بوده‌است.

جز این، مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان، ضمن یادکرد میرعلی تبریزی آورده‌است:

... کتاب‌هایی دیده‌ام که در حدود سال ۷۵۰ هجری کتابت شده و از میان اقلام متداول، به خط نستعلیق نزدیک‌تر و شبیه‌تر است و در واقع نستعلیق تحریر یا ناقصی می‌باشد؛ و نسخه دیوان سلطان احمد جلایر در کتابخانه ایاصوفیه - به خط صالح بن علی رازی - نستعلیق کاملی است و تاریخ مشخص ۸۰۰ هجری دارد. (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۴۳)

متأسفانه بیانی از نمونه‌های حدود ۷۵۰ ق هیچ نسخه‌ای را یاد نکرده و جز نسخه دیوان سلطان احمد جلایر، فقط در شرح حال «معروف بغدادی» - خوشنویس نیمه دوم سده هشتم و نیمه نخست سده نهم - اشاره کرده‌است که از نمونه‌های خط او فقط یک مجموعه اشعار در کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان) دیده که تاریخ کتابت ندارد و درباره آن نوشته‌است:

... باید این نسخه در بین سنوات ۷۸۴ و ۸۱۳ و به احتمال قوی بین سال‌های ۷۸۴ و ۷۸۸ ق است کتاب شده باشد... و حق هم این است که این نسخه از قدیمی‌ترین نمونه‌های خط نستعلیق و شاید قدیم‌ترین مجموعه مدون این خط باشد. (بیانی، ۱۳۶۳: ۹۱۵)

نسخه مورد اشاره او، یعنی جنگ معروف بغدادی، به شماره

جز نسخه‌های یادشده، بیانی به تصویر یک صفحه از یک نسخه بوستان سعدی مورخ ۷۷۹ ق اشاره کرده که در یک کتاب انگلیسی چاپ و به‌عنوان نسخه مصور و به خط میرعلی تبریزی شناسانده شده بود. او نوشته که اصل نسخه را ندیده و تأیید این ادعا موکول به بررسی آن است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۴۵). همچنین هاشمیان نسخه‌ای از تاج‌المآثر حسن نظامی را که در ۷۸۱ ق توسط فرج بن کریم المتطبب در کرمان دوره مظفری کتابت شده، بی اشاره به جایگاه نگهداری، به‌عنوان یکی از نمونه‌های کهن نستعلیق معرفی کرده است (خواجوی کرمانی، ۱۳۹۳: هجده). اما همه قرائن - از جمله کتابت در کرمان که عموماً در محدوده حکومتی فارس بود - نشان می‌دهد که این نسخه باید از نمونه‌های نستعلیق شیرازی باشد.

اقدام نمونه‌های نستعلیق تبریزی

پس از مقدماتی که درباره نستعلیق تبریزی و آثار شناخته‌شده پیشین مطرح شد، در اینجا به نمونه‌های تازه‌یاب می‌پردازیم. اما پیش از معرفی نمونه‌ها لازم است یادآور شویم که گزارش‌هایی درباره برخی از نسخه‌های نستعلیق وجود دارد که باید با احتیاط بسیار با آنها برخورد کرد، زیرا برخی از آنها دارای انجامه‌های برافزوده، مخدوش یا حک و دگرگون‌شده هستند. برای نمونه، نسخه‌ای از عجایب‌المخلوقات همدانی (شماره ۳۳۲ افزوده فارسی کتابخانه ملی فرانسه) موجود است که برای «سلطان احمدخان» نامی نوشته شده و در انجامه، تاریخ کتابت آن ۷۹۰ ق ادعا شده است. بر همین مبنا، برخی پژوهشگران، این سلطان احمدخان را همان سلطان احمد جلایر دانسته‌اند و در درستی انتساب نسخه به دربار جلایری تشکیکی نکرده‌اند (کونل، ۱۳۷۸: ۲۱۰۴؛ ریشار، ۱۳۸۳: ۷۱). اما با توجه به شیوه نگاره‌های مندرج در نسخه و به‌ویژه نستعلیق پخته آن، می‌توان گفت که تاریخ کتابت این نسخه دستکاری شده و احتمالاً از اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری است؛ احتمالاً دورانی که پادشاه آق‌قویونلو سلطان احمد کوده، فرزند اغورلو محمد، در تبریز به پادشاهی رسید.^۱ در نوشته

۱. سودآور نسخه‌ای از مهر و مشتری عصّار تبریزی به خط جعفر بایسنغری مورخ ۸۲۳ ق معرفی کرده که بنا بر یادداشت اتحافی در آغاز آن، گویا بعدها در اواخر سده نهم توسط نجم‌الدین مسعود به همین سلطان احمد آق‌قویونلو هدیه شده است (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۳۲).

حاضر به نمونه‌های جعلی و دارای بخش‌های مخدوش یا برافزوده اشاره نخواهد شد.

در دنباله، به ترتیب سال کتابت، به شناسایی نسخه‌هایی خواهیم پرداخت که تا سال ۸۰۰ ق به نستعلیق تبریزی کتابت شده‌اند. نسخه‌هایی که در کنار شماره آنها نشانه ستاره (*) نهاده شده، پیشتر توسط دیگران شناسانده شده است. تا جایی که جست‌وجو کردیم، از کاتبان هیچ کدام از این نسخه‌ها در منابع تراجم خوشنویسان یاد نشده است.

۷۸۳ ق

[۱]. یکی از کهن‌ترین نمونه‌های تاریخ‌دار نستعلیق تبریزی، دستنویسی از شرح الملخص فی الهیة اثر کمال‌الدین محمد بن احمد ترکمانی (۷۱۴-۷۵۰ ق) مندرج در یک مجموعه (ش ۳۷۷ کتابخانه پرتویاشا، گ ۶۵-۱۳۹ پ) است. نسخه به نستعلیق عبدالحمید بن محب‌الدین است. در «تصویر ۵» انجامه نسخه را می‌بینیم که چنین خوانده می‌شود:

کمل الکتاب بعون الله الوهاب یوم خمیس اول یوم من ربیع سنة
ثلث و ثمانین و سبعماية نمقه الفقیر الی الله رب العالمین
عبدالحمید بن محب‌الدین احسن الله احواله.

کاتب این نسخه به احتمال بسیار همان «عبدالحمید بن محب» الدین بن حاجی عبدالله الساریان» کاتب نسخه اخلاق ناصری مورخ ۷۸۶ ق است که در دنباله بدان خواهیم پرداخت.

۷۸۵ ق

[۲]. * دستنویسی از شرح مختصر الاصول ایچی که گفتیم سهیلی خوانساری برای نخستین بار آن را شناسانده است.

[۳]. دستنویسی از حاشیه شرح المطالع (نسخه ۱۷۶۷ کتابخانه شهید علی پاشا، مورخ ۷۸۵ ق) به قلم عمر بن علاء بن احمد السلماسی که انجامه آن را در «تصویر ۶» می‌بینیم و چنین خوانده می‌شود:

و قد وقع الفراغ من تحریره بعون الله و حسن توفیقه علی ید
العبد الفقیر عمر بن علاء بن احمد السلماسی فی ثانی عشر
ربیع الثانی لسنة ۷۸۵ غفر الله لهم و لمن قال آمین.

[۴]. دستنویسی از کشف حقایق زیج ایلخانی اثر نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری معروف به نظام اعرج (نسخه ۳۵۷۹

را دارد. یکی از مالکان قبلی نسخه نیز خوانشی نزدیک بدین نام داشته و در صفحهٔ روبروی انجامه نوشته‌است: «رقم کاتب چنین است: عبدالحمید بن نجیب‌الدین بن حاجی عبدالله الساریان»^۱. چنانکه اشاره کردیم، این کاتب باید همان «عبدالحمید بن محب‌الدین» کاتب نسخهٔ پیش گفته از شرح الملخص مورخ ۷۸۳ ق باشد.

۷۸۷ ق

[۷]. دستنویسی از موجز القانون علی بن ابی الحزم القرشی معروف به ابن نفیس (نسخهٔ ۹۸۵ مجموعهٔ فاضل احمد پاشا در کتابخانهٔ کوپرولو، مورخ ۷۸۷ ق) به قلم همان نجم‌الدین کرخینی که آن را در محلهٔ افرنج تبریز نگاشته‌است. صفحهٔ انجامهٔ نسخه را در «تصویر ۱۰» می‌بینیم، که چنین خوانده می‌شود:

تمّ الكتاب والحمد لله رب العالمین و صلوته علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین يوم السبت العاشر من شهر الله المعظم شعبان سنة سبع و ثمانین و سبعمایة هجرية علی یدی اضعف عباد الله الغنی نجم‌الدین الکرخینی ببلدة تبریز فی محلهٔ افرنج.

۷۸۸ ق

[۸]. دستنویسی از شرح المطالع اثر قطب‌الدین رازی (نسخهٔ ۱۲۲۶ کتابخانهٔ حسن حسن‌پاشا، در محلهٔ افرنج تبریز) به خط همان نجم‌الدین الکرخینی که در اینجا نامش را به صورت «نجم‌الدین الطیب الکرخینی» آورده‌است. انجامهٔ نسخه را در «تصویر ۱۱» می‌بینیم که چنین خوانده می‌شود:

و اتفق الفراغ من کتابته علی یدی صاحبه المحتاج الی فضل ربّه الغنی نجم‌الدین الطیب الکرخینی حین تعدی تمور علی اهل تبریز لثلاث خلون من سؤال لسنة ثمان و ثمانین و سبعمایة ببلدة تبریز فی محلهٔ افرنج و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرين.

[۹]. دستنویسی از دیوان خواجه شیخ کججی^۲ (نسخهٔ ۷۷۱ کتابخانهٔ راشداندلی در قیصریه، مورخ ۷۸۸ ق) به نستعلیق حسین بن

۱. نویسندهٔ این یادداشت که باید از معاصران باشد به قدمت نستعلیق نسخه توجه داشته و در آغاز نوشته: «این کتاب در سال ۷۸۶ نوشته شده است مثنویات خواجه بخت میرعلی بن الیاس تبریزی متعلق به بریتیش موزیم در سنه ۷۹۶ در بغداد نوشته شده اکنون این کتاب به خط نستعلیق قدیمترین کتابست».
۲. با سپاس از دوستم پژمان فیروزبخش که این نسخه را یادآور شد.

کتابخانهٔ مجلس، مورخ ۷۸۵ ق) که متأسفانه کاتب نامش را در انجامه نیاورده‌است. قلم نسخه عمدتاً نستعلیق است اما در مواضعی به تعلیق نزدیک می‌شود. انجامهٔ نسخه را در «تصویر ۷» می‌بینیم که عباراتش چنین است:

وقع الفراغ من تسویده يوم الخميس السابع عشر من ربيع الاول سنة خمس و ثمانین و سبعمائة.

۷۸۶ ق

[۵]. دستنویسی از شرح حکمة الاشراف قطب‌الدین شیرازی (نسخهٔ ۲۴۲۷ کتابخانهٔ ایاصوفیا، مورخ ۷۸۶ ق) به خط ابوبکر الطیب که انجامهٔ نسخه در «تصویر ۸» آورده شده‌است و چنین خوانده می‌شود:

توسلت بکتابته الی حضرت استادی بقیة السلف افضل المتبحرین... خواجه عبدالرحیم الطیب ادام الله فضائله علی كافة البرایا و انا الراجی عفوربه الرقیب ابوبکر الطیب [فی] منتصف رجب سنة ۷۸۶ هجرية.

نام کاتب در این نسخه حک شده و عبارت «الراجی عفوربه الرقیب ابوبکر الطیب» به جای عبارت حک شده نوشته شده‌است. لذا کاتب اصلی این نسخه باید شخص دیگری باشد. چنانکه خواهیم دید، مشابه این اتفاق در مجموعهٔ ۳۷۹۳ کتابخانهٔ اسعداندلی هم روی داده و نام کاتب به صورت «ابی بکر بن عمر بن ابی بکر الطیب» (مشترک در: ابوبکر و طیب) دگرگون شده‌است. در آنجا اشاره کردیم که شاید کاتب آن نسخه نجم‌الدین کرخینی باشد. دربارهٔ این نسخه نیز همین احتمال می‌رود.

[۶]. دستنویسی از اخلاق ناصری نصیرالدین محمد بن محمد الطوسی (نسخهٔ ۱۴۲۴ کتابخانهٔ سنا، مورخ ۷۸۶ ق در بغداد) که انجامهٔ آن را در «تصویر ۹» آورده‌ایم و چنین خوانده می‌شود:

تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب يوم الخميس ثاني عشرین من صفر ختم بالخیر و الظفر علی ید العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الملك اللطیف عبدالحمید بن [محب] الدین بن حاجی عبدالله الساریا [ن] اصلح الله عواقبه فی سنة ست و ثمانین و سبعمائة بمدینة بغداد حماه الله عن الآفات.

نسخه آب دیده و لذا بخشی از نام/ لقب پدر کاتب محو شده است؛ اما آنچه بر جای مانده امکان «محب‌الدین» خوانده شدن

حیدر بن محمود المکی، که انجنامه آن را در «تصویر ۱۲» می‌بینیم و چنین است:

تمت دیوان شیخ السلام [كذا] اعظم الاعلم... حرره العبد الضعیف المذنب المحتاج الی رحمت الله تعالی حسین بن حیدر بن محمود المکی فی يوم الاثنين عاشر ذی القعدة سنة ثمان و ثمانین و سبعمایة الهلالية.

خط این نسخه به پختگی و استواری نمونه‌های دیگر نیست اما اصول آن با نستعلیق همخوانی دارد.

۷۸۹ ق

[۱۰]. دستنویسی از حاشیة وسایل الوصول الی مسایل الفصول اثر عمادالدین عبدالرحیم الطیب^۱ (نسخه ۳۶۷۰ کتابخانه ایا صوفیا، مورخ ۷۸۹ ق) به خط همان نجم‌الدین الکرخینی که در مدرسه قاضی شیخ علی در شهر تبریز نوشته شده است. انجنامه نسخه را در «تصویر ۱۳» می‌بینیم، بدین عبارات:

... و فرغت من کتابته ناقلاً عن خطه لثلاث بقین من رمضان لسنة تسع و ثمانین و سبعمایة بمدینة تبریز فی مدرسة قاضی شیخ علی شکر الله سعیه و تقبل الله منه حسناته و انا الواثق بالله الغنی نجم‌الدین الطیب الکرخینی.

[۱۱].* دو نمونه دیگر که در همین سال کتابت شده، در واقع شامل سه اثر است که توسط دو کاتب نوشته شده و در یک مجموعه (شماره ۲۷۰۳ کتابخانه شهید علی پاشا) مندرج است. هر سه اثر در سال ۷۸۹ ق کتابت شده است. یکی از دو کاتب، علی بن محمد المؤدب نام دارد که رونویسی از نزهة العاشقین اثر عثمان بن الحاج بله^۲ و فرزندنامه غزالی را در ۷۸۹ ق کتابت کرده است. انجنامه نزهة العاشقین را در «تصویر ۱۴» آورده‌ایم که چنین خوانده می‌شود:

تم [كذا] الرسالة الموسومة بنزهة العاشقین علی يد العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه علی بن محمد المؤدب احسن الله عواقب اموره فی حادی عشر ربیع الاول

۱. متن وسایل الوصول الی مسایل الفصول اثر عزالدین ابراهیم الکیشی است و این حاشیه در سال ۷۸۵ ق نگاشته شده است.
۲. از این نویسنده رساله‌ای با نام «طریق الآخرة» در سفینه تبریز موجود است. او این اثر را به مناسبت درگذشت پدرش امین‌الدین حاج بله نگاشته است. شخص اخیرالذکر از استادان نام‌آور تبریز بوده و چند اثر از وی در سفینه تبریز درج شده است. درباره او پژوهش‌هایی در سال‌های اخیر منتشر شده است.

سنة تسع و ثمانین و سبعمایة الهلالية النبوية والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً.

دومین کاتب شهاب بن تاج الحلوی القزوینی^۳ نام دارد که رساله‌ای فارسی در عقاید از ابواسحاق ابراهیم بن محمد الاسفراینی (ظاهراً درگذشته ۴۱۸ ق) را در ۷۸۹ ق کتابت کرده است.^۴ صفحه انجنامه آن را در «تصویر ۱۵» آورده‌ایم و عباراتش چنین است:

تم [كذا] الرسالة بحمد الله تعالی و حسن توفیقه علی يد الضعیف التّحیف شهاب ابن تاج الحلوی القزوینی فی الخامس و العشر من جمادی الثانی لسنة تسع و ثمانین و سبعمایة الهجرية النبوية المصطفوية.

آثار این دو کاتب را باید جداگانه به شمار آورد، ولی چون همزمان و مندرج در یک مجموعه هستند، در ذیل یک شماره به آنها پرداختیم.

۷۸۹-۷۹۳ ق

[۱۲]. مجموعه‌ای از آثار پزشکی و نجومی عربی و فارسی (شماره ۳۷۹۳ کتابخانه اسعدفندی). این نسخه در محله افرنج تبریز کتابت شده و نام کاتب به صورت «ابی بکر بن عمر بن ابی بکر الطیب» ضبط شده است، اما در همه جای نسخه در جایگاه ضبط نام کاتب (ار، ۴۲، پ، ۵۸، ر) حک و تغییر صورت گرفته و فقط همان بخش «الطیب» به قلم کاتب اصل نسخه است. در «تصویر ۱۶» انجنامه نخستین اثر نسخه را می‌بینیم که چنین عبارت دارد:

و اتفق الفراغ من تمیقه يوم السبت لثلاث بقین من محرّم لسنة تسع و ثمانین و سبعمایة ببلدة تبریز فی محلة افرنج علی یدی صاحبه المحتاج الی رحمة ربّه الرقیب ابی بکر بن عمر

۳. نسخه در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شناسانده شده اما خط آن «نسخ» دانسته شده است (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۵۱۵). دانش پژوه در همانجا اشاره کرده که گویا این شخص از فرزندان علی بن محمد مشتهر به تاج الحلوی نویسنده کتاب دقایق الشعر (تاج الحلوی، ۱۳۴۱) باشد. مرادی و عظیمی پور (۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳) در مقاله‌ای نشان داده‌اند که این گمان درست است و نسبت نویسنده دقایق الشعر در دو نسخه اثر به شکل «حلوی» ضبط شده است. ایشان انجنامه همین نسخه را به عنوان سند در مقاله چاپ کرده‌اند. محمد افشین‌وفایی نیز تصویر انجنامه این اثر مجموعه را به عنوان یکی از نمونه‌های کهن نستعلیق چاپ کرده است (افشین‌وفایی، ۱۳۹۲: ۵۰۶).
۴. متن این اثر بر پایه همین نسخه - گویا منحصربه‌فرد - به چاپ رسیده است (محدث، ۲۰۰۸: ۱۵۳-۱۶۳).

فرغ تنمیکه و ترشیکه و تمّ تذهیبه و تمشیکه و حصل تصحیحیه و تحقیقه فی عشرین شهر الله الدیان شهر رمضان المنزل فی القرآن المصفود فی مَرْدَة الشّیاطین المعمیّه من سنه اربع و تسعین و سبعمائیه علی یدی المحتاج الی عفو ربّه الحلیم العبد الحافظ ابرهیم جبر الله تقصیره بلطفه العمیم حامداً لله و مصلياً علی نبیه الکریم.

چنانکه فرانسویس ریشار اشاره کرده، نسخه به رسم خزانه کتب معزالدین شاه‌ولد بن شیخ علی - جانشین و برادرزاده سلطان احمد جلایر - نوشته شده و لذا جایگاه کتابت آن احتمالاً شهر بغداد بوده است (ریشار، ۱۳۸۳: ۷۲). از انجامه دانسته می‌شود که تذهیب و نگارگری نسخه توسط کاتب به انجام رسیده است و با توجه به نفاست نسخه شاید بتوان او را از مذهببان و نگارگران دربار جلایریان دانست.

۷۹۷ق

[۱۵]. رونویسی از دیوان سلمان ساوجی (به نشانی B203 در مجموعه جعفر جعفرزاده قاضی) که اکنون نمی‌دانیم پس از درگذشت صاحب مجموعه به کجا منتقل شده است.^۲ متأسفانه نام کاتب در انجامه ثبت نشده است. انجامه نسخه را در «تصویر ۱۹» می‌بینیم، با این عبارات:

تمام شد دیوان سلمان ساوجی علیه الرحمة فی ثامن من شهر ربیع الثانی سبع و تسعین و سبعمائیه ۷۹۷.

انجامه نسخه به گمان نویسنده این سطور برافزوده است، اما چون شیوه خط نسخه با شیوه رایج در اواخر سده هشتم همخوانی دارد و ضمناً تصویر کل نسخه برای بررسی بیشتر در دسترس نبود، به یادکرد آن پرداخته شد تا پس از شناسایی جایگاه نگهداری نسخه به بررسی آن پرداخته شود.^۳

۷۹۸ق

[۱۶].* دستنویس شناخته‌شده سه منظومه خواجهی کرمانی (نسخه add 18113 کتابخانه بریتانیا، مورخ ۷۹۸ق، به نستعلیق میرعلی

۲. متأسفانه بسیاری از نسخه‌های این مجموعه در سال‌های اخیر در حراجی‌های فرنگی به فروش رسیده است. درباره برخی از نسخه‌های این مجموعه نک. جدی و کلیج‌خانی، ۱۳۸۸.

۳. آگاهی از این نسخه و دسترسی به تصویر آن را وام‌دار دوستم پژمان فیروزبخش هستم. ایشان نیز در احتمال قوی برافزوده بودن انجامه و در عین حال قدمت نسخه با نویسنده این سطور همداستان هستند.

بن ابی‌بکر الطیب.

با توجه به اینکه نجم‌الدین کرخینی نیز چند نسخه را در محله افرنج کتابت کرده و نسبت «الطیب» داشته است، و نیز با توجه به یکسان بودن شیوه خط نسخه‌ها، نویسنده این سطور احتمال می‌دهد که این مجموعه نیز به قلم او باشد. شاید چون در انجامه نسخه «علی یدی صاحبه...» آمده و مالکیت آن به ابوبکر بن عمر منتقل شده، او انجامه‌ها را تغییر داده باشد. قرینه دیگری که می‌تواند نشان دهد نسخه به خط نجم‌الدین کرخینی است آنکه افزودن «ل» در آغاز عدد تاریخ و واژه «سنه»، از مختصات نگارشی اوست، چنانکه در نسخه شرح المطالع مورخ ۷۸۸ق آورده است: «ثلث خلون من شوال لسنة ثمان و ثمانین و سبعمائیه». نیز در انجامه حاشیه وسایل الوصول مورخ ۷۸۹ق آورده است: «ثلث بقین من رمضان لسنة تسع و ثمانین و سبعمائیه».

۷۹۰ق

[۱۳]. بخش دوم از یک مجموعه (شماره ۱۴۸۳ کتابخانه جارالله، مورخ ۷۹۰ق، گ ۴۸-۹۳ر) که رونویسی از التبصره فی علم الهيئة اثر بهاء‌الدین ابومحمد عبدالجبار بن عبدالجبار بن محمد الثابتی الخرقی (د ۵۵۳ق) صاحب منتهی‌الادراک فی تقاسیم الافلاک است. نسخه از آغاز در مقدمه افتادگی دارد. انجامه آن را در «تصویر ۱۷» می‌بینیم که چنین خوانده می‌شود:

فلنختم الكتاب حامدين لله و مصليين علي نبیه محمد و آله و اصحابه اجمعين و قد نهيا الفراغ من تنمیکه قبیل الظهر من يوم الاربعاء الثامن و العشرین من شهر المبارک الّرمضان سنه تسعین و سبعمائیه الهالیة.

چنانکه می‌بینیم متأسفانه کاتب از خود نام نبرده و به جایگاه کتابت اشاره‌ای نکرده است.

۷۹۴ق

[۱۴]. دستنویسی مصور و بسیار نفیس از کلیله و دمنه بهرامشاهی (نسخه ۹۱۳ پیوست فارسی کتابخانه ملی فرانسه، مورخ ۷۹۴ق به نستعلیق حافظ ابراهیم) که انجامه آن را در «تصویر ۱۸» می‌بینیم و چنین خوانده می‌شود:

۱. بخش نخست مجموعه، کتاب سلک الدّین فی حلّ الثّربین اثر احمد بن موسی بن عبدالغفار، به خطی دیگر و جدیدتر است.

بن الیاس التبریزی الباورچی در بغداد) که گفتیم دیگران نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین نمونه‌ها بدان اشاره کرده‌اند.

۸۰۰ ق

[۱۷]. * دستنویسی از دیوان سلطان احمد جلایر (نسخه ۳۹۲۴ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۸۰۰ ق به نستعلیق صالح بن علی الرازی در مدینه السلام بغداد) که بیانی به عنوان یکی از اقدم نمونه‌ها بدان اشاره کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۲۶، ۴۴۳). انجامه نسخه را در «تصویر ۲» آورده‌ایم که چنین است:

خدم بکتابه هذه الشریقات المبارکة الشریفة اقل العباد صالح بن علی الرازی فی غرة جمادی الثانی سنة ثمانمایة الهلالیه بمدینه السلام بغداد حماها الله تعالی عن الاضداد.

[۱۸]. مجموعه‌ای از شش اثر ادبی (نسخه ۱۲۸۴۴ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، مورخ ۸۰۰ ق به نستعلیق ابن الیاس)^۱ که بیشتر آثار آن از نویسندگان دربار جلایریان و بعضاً آثار تألیفی به نام افراد آن سلسله است.^۲ متأسفانه نویسنده این سطور فقط تصویر سیاه و سفید بخش‌هایی از نسخه را در دسترس دارد، اما چنانکه در فهرست کتابخانه یادشده، مجموعه دارای نفاست هنری است (مرعشی، ۱۳۸۳: ۶۰۱-۶۰۶). در «تصویر ۲۱» انجامه نسخه را می‌بینیم که چنین عبارت دارد:

تمام گشت کتاب دقایق الاشعار بعون الله و حسن توفیقه و صلی الله علی محمد و آله ابن الیاس ثمانمائه.

با توجه به نام کاتب یعنی «ابن الیاس» و اینکه همانند «میرعلی بن الیاس التبریزی» پدرش الیاس نام داشته و با توجه به معاصر بودن این دو و شباهت بسیاری که میان خط دو نسخه هست، گمان می‌برم که هر دو نسخه به خط یک نفر، یعنی میرعلی بن الیاس التبریزی الباورچی، باشد. در صورت درست بودن این احتمال، اکنون دو نسخه با انتساب قطعی از این کاتب می‌شناسیم. هرچند این احتمال را هم نباید از نظر دور داشت

۱. آگاهی از این نسخه را وام‌دار دوستم پژمان فیروزیخس هستم. نیز از دوست دانشورم آقای بهروز ایمانی سپاسگزارم که فتوکپی رساله مجدولی در ذکر عترت نبی از این مجموعه را در دسترس من نهادند.

۲. از جمله رونویسی از انیس العشق اثر شرف‌الدین حسن بن محمد رامی تبریزی که دیباچه آن را به نام سلطان اویس جلایر مصدر کرده است (رامی، ۱۳۲۵: ۱-۲). نیز رونویسی از حدائق الحقایق رامی که در مقدمه اثرش، سلطان اویس را ستوده و نوشته که اثر به فرمان وی تألیف شده است (رامی تبریزی، ۱۳۴۱: ۱). شرف رامی در دیوانش نیز به ستایش اویس جلایری پرداخته است.

که مجموعه مرعشی به دست برادر میرعلی کتابت شده باشد.

تعدد نمونه‌های یادشده نشان می‌دهد که صرفاً یک شباهت اتفاقی در میان نیست و این شیوه عملاً در میان کاتبان و خوشنویسان آن دوره و منطقه رواج یافته و ساختارمند شده بوده است.

ارتباط نستعلیق با دستگاه سلطان احمد جلایر

تأثیر سلطان احمد جلایر (حک. ۷۸۴-۸۱۳ ق) و دستگاه حکومتی او در شکوفایی هنر ایرانی از مواردی است که کمابیش مورد توجه پژوهشگران هنر ایرانی قرار داشته، اما بررسی‌های ایشان عمدتاً بر پایه دو-سه نسخه مصور و ممتاز کتابخانه سلطان احمد و عموماً از دیدگاه نگارگری صورت گرفته است. بنابراین درباره تأثیر او و دربارش در شکل‌گیری قلم نستعلیق تبریزی هنوز چنانکه می‌شاید پژوهشی انجام نشده است^۳ و لذا در اینجا، با توجه به داده‌های همین مقاله، به بررسی مختصر موضوع خواهیم پرداخت. در این میان به دستگاه حکومتی سلطان احمد تمرکز خواهیم داشت، زیرا نمونه‌های بازمانده پیش از این دوره بسیار انگشت‌شمار هستند^۴.

می‌دانیم که شهرهای بغداد و تبریز دو مرکز اصلی حکمرانی سلطان احمد جلایر بوده‌اند. جالب توجه این است که بیشتر نمونه‌های معرفی شده در مقاله حاضر در این دو شهر کتابت شده‌اند و از قضا بیشتر این کاتبان اهل تبریز بوده‌اند و برخی از آنها هم که در بغداد کتابت کرده‌اند، خاستگاه تبریزی دارند. در میان نسخه‌های شناسانده شده، برخی قطعاً و برخی به

۳. از جدیدترین نوشته‌ها در این زمینه مطلبی است که هاشمیان در مقدمه چاپ عکسی سه مثنوی خواجه نوشته و فصلی با عنوان «آل جلایر و خط نستعلیق» گشوده، اما از نمونه‌های نستعلیق تبریزی فقط به همان چند نسخه‌ای که پیش از وی شناسانده شده‌بود اشاره کرده است (خواجه کرمانی، ۱۳۹۳: هجده - بیست).
۴. از نسخه‌هایی که پیش از حکومت سلطان احمد در دربار جلایریان کتابت شده باید به توارخ شیخ اویس (نسخه کتابخانه دانشگاه لیدن، بی تا، بی کا) اشاره کرد که متأسفانه به علت افتادگی از پایان، درباره کتاب و سال کتابت آن اطلاع دقیقی نداریم، اما به احتمال بسیار نسخه به اویس (حک ۷۵۷-۷۷۶ ق) پیشکش شده است. این نسخه که خط آن را می‌توان از نمونه‌های تعلیق متمایل به نستعلیق در شمار آورد، به صورت عکسی چاپ شده است (اهری، ۱۳۸۹). نیز از نمونه‌های تازه‌یاب توسط نویسنده این سطور، دستنویسی از کیمیای سعادت غزالی (نسخه ۲۸۰۰ کتابخانه فاتح، مورخ ۷۷۵ ق به نسخ بشیر بن سعد المالکی الاشری) است که یک سرلوحه کتبه‌ای و یک شمسه نفیس به رسم خزانه با عبارات اهدایی به «شیخ اویس بهادرخان» دارد.

میرعلی بن الیاس، همانند دانسته‌اند (بهر، ۱۳۹۶: ۳۵۵؛ خواجوی کرمانی، ۱۳۹۳: نوزده) که درست می‌نماید^۱. یکی از صفحات نسخه را در «تصویر ۲۳» آورده‌ایم.

جز اینها، نسخه سه منظومه خواجوی کرمانی کتابخانه بریتانیا نیز در سال ۷۹۸ ق در بغداد کتابت شده است و به علت نفاست بسیارش، اجماع پژوهشگران بر آن است که به دربار سلطان احمد تعلق داشته است.

نسخه خسرو و شیرین نظامی گالری هنر فریر نیز، اگرچه تاریخ و جایگاه کتابتش معلوم نیست، به احتمال بسیار در همان دستگاه تولید شده است. به ویژه نسبت «سلطانی» در نام کاتب می‌تواند قرینه انتساب وی به سلطان احمد باشد^۲. این نسبت را عبیدالله بن علی الکاتب السلطانی نیز به کار برده است که می‌تواند قرینه‌ای بر پدر و فرزندی ایشان باشد.

همچنین باید به یک نمونه بازمانده از خط خود سلطان احمد اشاره کرد. این نوشته در واقع یادداشت مالکیت او در صفحه انجامه نسخه اصل ترجمه صورالکواکب اثر نصیرالدین طوسی (نسخه ۲۵۹۵ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۶۴۷ ق به خط مترجم) است^۳. این یادداشت را که در حاشیه سمت راست از پایین صفحه

۱. البته هاشمیان در آنجا نسخه را «با رقم میرعلی» دانسته که چنین نیست و نسخه گالری فریر رقم ندارد. او تصویر بخشی از برگ ۲۳ نسخه را در صفحه بعد چاپ کرده و آن را از «حدود ۷۹۸ هجری» دانسته و باز تصویر یکی از عنوان‌های همان صفحه را چاپ کرده و آن را از «حدود ۸۰۳ هجری» ضبط کرده، که نمی‌دانیم دلیل این آشفتگی اطلاعات درباره یک نسخه چیست. تصویر ۶ و ۷ آن کتاب نیز سهواً جابه‌جا شده است.

۲. این شیوه انتساب به حامیان در نام چند تن از خوشنویسان دیده می‌شود. برای نمونه یاقوت مستعصمی با انتساب به مستعصم عباسی، جعفر بایسنغری با انتساب به بایسنغر تیموری، شیخ محمود پیربوداقی با انتساب به پیربوداق بن قرايوسف قراقویونلو، عبدالرحیم انیسی خوارزمی با نسبت «یعقوبی» به مناسبت انتساب به سلطان یعقوب آق‌قویونلو. برخی خوشنویسان نیز با نسبت‌های عمومی‌تری چون «سلطانی» خود را به حامی خویش منتسب می‌کردند؛ مانند ناصر الکاتب السلطانی از خوشنویسان دربار سلطان ابراهیم میرزا و همچنین میرعلی هروی که در برخی آثارش میرعلی الکاتب السلطانی رقم می‌زده و گویا این انتساب در دستگاه سلطان حسین میرزا بایقرا صورت گرفته است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۶: ۲۷).

۳. نخستین بار عباس اقبال این نسخه را در مقاله‌ای شناسانده و به یادداشت‌های آن اشاره کرده، اما به اهمیت نسخه از دیدگاه خوشنویسی اشاره‌ای نکرده است (اقبال، ۱۳۴۰). نسخه یک بار به صورت عکسی چاپ شده است (طوسی، ۱۳۴۸). پرویز نائل خانلری در دیباچه چاپ عکسی، در درستی انتساب خط سلطان احمد و الغیبیک تردید کرده است، اما گمان می‌رود که تشکیک در این موضوع وجه چندانی نداشته باشد. تاریخ‌دان خبره‌ای چون عباس اقبال نیز در مسائل تاریخی نسخه تشکیکی نکرده است.

احتمال بسیار در دستگاه سلطان احمد کتابت شده‌اند. از این میان باید به نسخه‌های دیوان سلطان احمد جلایر اشاره کرد که عمده آنها در روزگار وی کتابت شده و به احتمال بسیار در دستگاه خود او تهیه شده‌اند. جز نسخه ۳۹۲۴ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۸۰۰ ق که بدان پرداختیم، می‌توان بدین نسخه‌ها از دیوان وی اشاره کرد:

- نسخه‌ای با رقم «میرعلی» مورخ ۸۰۵ ق که در اختیار یک سوئیسی به نام یاکوب هیرش (Yacob Hirsch) بوده و مهدی بیانی بدان اشاره کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۴۶). این نسخه باید برای بررسی ارتباط با میرعلی تبریزی بررسی شود.
- نسخه‌ای به خط عبیدالله بن علی الکاتب السلطانی (به نشانی H. 909 کتابخانه طویقایی سرایی، مورخ ۸۰۹ ق) که باید فرزند علی بن حسن سلطانی نویسنده خسرو و شیرین و شخص مورد اشاره جعفر بایسنغری به عنوان واضع نستعلیق باشد (بهر، ۱۳۹۶: ۳۵۵).
- نسخه دیگر که در همان ۸۰۹ ق در بغداد تهیه شده (شماره ۲۰۴۶ موزه آثار ترکی و اسلامی) و بلر تذهیب آن را بسیار نفیس دانسته (همانجا) و ریشار نیز بدان اشاره کرده است (ریشار، ۱۳۸۳: ۷۲).
- نسخه‌ای نفیس از دیوان سلطان احمد (شماره ۴۲۳ کتابخانه لالا اسماعیل) که در سال ۸۱۳ ق، یعنی آخرین سال حکومت وی، به نستعلیق خوش شهپور المحرر الهمدانی در دارالسلام بغداد نوشته شده است. به علت نفاست نسبی نسخه و اینکه در اواخر دوره سلطان احمد نوشته شده، احتمالاً متعلق به کتابخانه او بوده است. در «تصویر ۲۲» نخستین صفحه نسخه را می‌بینیم که تذهیب سرلوحه نسخه را نیز می‌نمایاند.
- نسخه‌ای ناقص از دیوان سلطان احمد جلایر (به نشانی F1932.29 گالری هنر فریر، بی تا، بی کا) که متأسفانه به علت افتادگی انجامه، نام کاتب و تاریخ کتابتش دانسته نیست، اما در آغاز شعرها عبارات دعایی‌ای مانند «و له خلد الله تعالی خلافته و سلطانه» درج شده است. نفاست خط و نگاره‌های سیاه‌قلم فوق‌العاده ممتاز حواشی این نسخه نشان می‌دهد که برای دربار سلطان احمد کتابت شده است. بلر و هاشمیان خط این نسخه را با مثنویات خواجو، به خط

نوشته شده در «تصویر ۲۴» می‌بینیم که چنین خواننده می‌شود:

این کتاب که در معرفت صور کواکب است از تألیفات احکم الحکما المتأخرین و الطف الحکما الاولین خواجه نصیرالحقّ والدّین محمد بن حسن الطوسی تغمد[ه] الله برحمته و نبی و آله [کذا] هم بخطّ ید اوست تحقیقاً. حرّره صاحبه اضعف العباد احمد بن شیخ اویس غفرالله ذنوبه بمنّه و کرمه والسّلم فی شهور سنة خمس و ثمانمائه الهجرية بدارالسّلام بغداد.

خط خود سلطان احمد نیز گونه‌ای نستعلیق و نسبتاً خوش است. جالب آنکه خطّ نصیرالدّین طوسی نیز نوعی تعلیق کتابتی است و به‌عنوان یک نمونه کهن باید بدان توجه داشت. جز نمونه‌هایی که از دیوان سلطان احمد جلایری و نمونه خطّ وی موجود است، باید به نمونه‌های تألیف شده برای خزانه کتب او و آثار کتابت شده توسط ندیمان و اطرافیان وی نیز توجه داشت. برای نمونه می‌توان به خطّ علی بن محمد المشتهر بنظام شامی (۷۴۰-زنده در ۸۰۸ ق) اشاره کرد که ترجمه مقامات حریری را نگاشته و دستنویس اصل اثر (نسخه ۴۱۰۷ کتابخانه فاتح) توسط خود وی در سال ۷۹۴ ق در مدینه السّلام بغداد کتابت شده است.^۱ انجامه نسخه را که نوعی تعلیق با رگه‌هایی از نستعلیق است در «تصویر ۲۵» می‌بینیم و چنین عبارت دارد:

و فرغ من تحریر الکتاب مترجمه الواثق بالصّمد السّلام علی بن محمد المشتهر بنظام اصلح الله تعالی شأنه و ذلک بمدینه السّلام صانها الله عن حوادث اللیالی و الاّیام ضحوة یوم الثّلاثا حادی عشر ربیع الأوّل سنة اربع و تسعین و سبعمائه حامداً و مصلياً و مسلماً.

نظام شامی از نویسندگان دربار جلایری بوده که پیشتر دیباجه

کتابش ریاض الملوک را به سال ۷۶۸ ق در بیست و هفت سالگی از نظر سلطان اویس جلایری (حک. ۷۵۷-۷۷۶ ق) گذرانده و پس از مدّتی مدید (گویا ۷۸۳ ق) اثر را به پایان رسانیده و هم بدو تقدیم کرده است (نظام شامی، ۱۳۸۸: ۲۲؛ ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) و نسخه اصل آن مورّخ ۷۸۳ ق در تبریز به شماره ۴۸۶ در کتابخانه پرتویاشا نگهداری می‌شود (ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۷) و از دیدگاه خطّ و به‌ویژه تذهیب سرلوحه، بسیار شبیه به نسخه ترجمه مقامات حریری است. همچنین رساله حقیقه را به نام اویس جلایر ختم کرده است (نظام شامی، ۱۳۸۸: ۳۲). او برخی آثارش مانند بلوهر و بیودنسف (نگاشته ۸۰۱ ق)، رساله ربیعیه و از جمله همین ترجمه مقامات حریری (نگاشته ۷۹۴ ق) را به سلطان احمد جلایر تقدیم کرده است (نیز درباره نظام شامی نک. صفا، ۱۳۶۹: ۴۷۶/۴-۴۸۰).

از برادر نظام شامی، یعنی محمد بن محمد بن ابی طالب المشتهر بهمام الطیب هم برخی یادداشت‌های مالکیت و نیز چند کتابت بر جای مانده که بررسی آنها نشان می‌دهد خطّ وی هم نوعی تعلیق کتابتی متمایل به نستعلیق بوده است (درباره او نک. ایمانی، ۱۳۸۳؛ نظام شامی، ۱۳۸۸: ۲۳).^۲ برای نمونه، یک نسخه از بیان التذکره اثر فضل‌الله العبیدی^۳ (نسخه ۶۹۲ کتابخانه یوسف‌آغا، مورّخ ۷۷۳ ق در ابواب البرّ شنب غازی) به خطّ وی موجود است که یادداشت تملک او را نیز در آغاز دارد. انجامه نسخه را در «تصویر ۲۶» می‌بینیم که خطّش نوعی تعلیق کتابتی خفی است.

جز این باید به عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی (د. ۸۳۸ ق) نیز اشاره کنیم که با دستگاه جلایریان و به‌ویژه سلطان احمد مرتبط بوده است. نوشته‌ای از سلطان اویس جلایر موجود است (در مجموعه ۸۳۲ کتابخانه ملّی ملک، مورّخ ۸۳۷ ق،

۱. نسخه دیگری از ترجمه مقامات حریری به خطّ نظام شامی مورّخ ۸۰۱ ق موجود است که در سال ۱۳۵۵ خ توسط بنیاد اتو هاراسویتز (Otto Harrassowitz) در تهران برای نمایش و فروش ارائه شده بوده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۶: ۴۵۵؛ نظام شامی، ۱۳۸۸: ۲۰، ۲۸)، اما گویا در ایران خریداری نشده و اکنون از جایگاه نگهداری آن آگاهی نداریم. همچنین یک مجموعه دارای چهار اثر مورّخ ۸۰۱-۸۰۳ ق توسط نظام شامی در مدینه السّلام بغداد کتابت شده و اکنون به نشانی Or. 13214 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (نظام شامی، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۱؛ ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۷) که متأسفانه به تصویر آن دسترسی نداشتیم. جز این، یک نسخه شرح مختصرالمتنه نظام الدّین حسن بن محمد اعرج (نسخه ۶۸۱ کتابخانه مرادملا، مورّخ ۸۰۵ ق) به خطّ نظام شامی موجود است که آن را در ابواب البرّ غازی در شنب تبریز برای خودش کتابت کرده و خطّ آن تعلیق کتابتی خفی مایل به نستعلیق است.

۲. کهن‌ترین یادداشت مالکیتی که از وی می‌شناسیم مورّخ ۷۶۵ ق در اواخر نسخه‌ای از نهایت‌الادراک فی درایة الافلاک قطب‌الدّین شیرازی (نسخه ۹۵۶ مجموعه فاضل احمد پاشا در کتابخانه کوپرولو، مورّخ ۶۸۳ ق) است که ویژگی‌های خطّ نستعلیق در آن به‌وضوح دیده می‌شود. نیز همام در یک مجموعه (شماره ۲۸۶ کتابخانه سنا) به کتابت رساله مجدولی در ذکر عترة نبی اثر برادرش پرداخته است. این بخش در سال ۸۱۲ ق در ابواب البرّ شنب غازی تبریز کتابت شده است. رساله با استفاده از همین نسخه به چاپ رسیده است (نظام شامی، ۱۳۴۱).
۳. ابن جلال‌الدّین فضل‌الله عبیدی از بزرگان دربار سلطان حسین بن شیخ اویس جلایری بوده و عبدالقادر مراغی از مجلسی که در سال ۷۷۸ ق با حضور وی در پیشگاه سلطان حسن در تبریز برقرار شده بود یاد کرده است (فردوسی، ۱۳۹۶: ۱۳).

متون و آثار هنری این سلسله با کاستی رویاروی خواهد بود. آنچه نویسنده این سطور از متون/ نسخه‌های اهداشده به سلطان احمد جلایر یافته عبارت است از:

- دستنویسی از نصّ النَّصّوص فی شرح الفصوص اثر سید حیدر آملی (۷۲۰- زنده در ۷۸۷ ق) که در سال ۷۸۱ ق نگارش آن به پایان رسیده و نسخه اصل آن که در ۷۸۴ ق در بغداد بازنویسی شده (نسخه ۱۰۳۳ کتابخانه جارالله، مورخ ۷۸۴ ق به تعلیق فضل‌الله بن محمد عبادی) در دیباجه به نام «سلطان احمد بهادر خان» مصدر و به رسم خزانه همو نوشته شده است.^۴ نکته حائز اهمیت اینکه نسخه در سال ۷۸۴ ق، یعنی دقیقاً در نخستین سال حکومت سلطان احمد، در پایتخت او بغداد تهیه شده و می‌دانیم که معمولاً رسم بر این بوده است که در آغاز سلطنت هر پادشاه، برای تقرب و پیوستن به دربار، اثری به او پیشکش کنند. بنابراین، به احتمال بسیار، هم اصل تألیف و هم نسخه آن برای احمد جلایر فراهم آمده است.

- از دیگر نمونه‌هایی که احتمالاً برای کتابخانه سلطان احمد تهیه شده، نسخه‌ای از مهر و مشتری محمد بن محمد بن عصار تبریزی (نسخه ۹۰۲/۹۲ کتابخانه عارف حکمت مدینه، مورخ ۷۸۴ ق) به خط سراینده است^۵ که این نسخه هم دقیقاً در نخستین سال حکومت سلطان احمد تهیه شده است. می‌دانیم که عصار از ستاینندگان سلطان اویس بوده و مهر و مشتری را که به سال ۷۷۸ ق سروده بود، به هیچ پادشاهی پیشکش نکرده است. بنابراین، با توجه به تاریخ کتابت نسخه عارف حکمت، گمان می‌رود که او نسخه‌ای از اثرش را در نخستین سال حکومت سلطان احمد، برای پیشکش بدو، نوشته و این همان نسخه است؛ به‌ویژه که نسخه به خط خود او و نسبتاً نفیس است. نخستین صفحه

۴. نام پادشاه در خلال عبارات به رسم خزانه محو شده، اما نام سلطان احمد بهادر در متن نسخه به حروف زرین نوشته شده است. مصححان متن، بدون هیچ سند قابل پذیرشی، این نام را به «سلطان احمد بهادر خان بن تیمورخان» تبدیل کرده‌اند (آملی، ۱۳۶۷: سیزده، ۴). این تغییر، گویا برگرفته از یادداشت ترکی بسیار جدید و غیرقابل استنادی در آغاز نسخه است: «سلطان تیمور لنگ اوغلی سلطان احمد بهادر خان یه ویرلن نسخه جلیله در» (نسخه جلیله ایست که به سلطان احمد بهادر خان پسر تیمور لنگ داده شده است).

۵. نسخه به کوشش دوست فاضل، آقای بهروز ایمانی، به صورت عکسی چاپ شده است (عصار تبریزی، ۱۳۹۳).

۹۲-۹۳) که در آن گواهی کرده که استادان موسیقی آن روزگار، منشوری به تاریخ ۷۸۴ ق در اعتراف به تقدّم عبدالقادر در موسیقی نوشته‌اند.^۱ همچنین نامه‌ای مورخ ۷۷۹ ق توسط احمد جلایر در اوصاف عبدالقادر نوشته شده (همان، گ ۹۳- ۹۳) که در کنار ستایش تبخّر عبدالقادر در موسیقی، به خوشنویسی او نیز اشاره دارد:

... ثانی: در قسم خط او که احسن من الوشی المتمّم و الدر المنظم و اعز من سواد العین و سوبداء الفؤاد است و اقلام سته را - که آن محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع، توقیع است - به مرتبه اعلی دانسته و نبشته است.

اگرچه سلطان احمد فقط به خوشنویسی عبدالقادر در اقلام سته اشاره کرده^۲ اما خوشبختانه چند نمونه از کتابت‌های نستعلیق عبدالقادر بر جای مانده است که هرچند همگی پس از ۸۰۰ ق نوشته شده‌اند، باید آنها را نیز از اقدم نمونه‌های نستعلیق تبریزی به شمار آورد. از جمله نسخه‌ای از جامع اللحان (به نشانی Oulis 2008 کتابخانه بودلیان، مورخ ۸۱۶ ق) که مهر عبدالقادر را در چند جا دارد و یادداشتی از وی دارد مبنی بر اینکه نسخه را در سال ۸۱۶ ق به فرزندش نورالدین هبه کرده است. نیز نسخه‌ای از همان اثر (شماره ۳۶۴۴ کتابخانه نورعثمانیه، مورخ ۸۱۸ ق) که این هم مهر وی را دارد و انجامه‌اش را در «تصویر ۲۷» می‌بینیم و ویژگی‌های نستعلیق تبریزی در آن نمایان است.

متون و نسخه‌های نگاشته شده برای جلایریان متأسفانه از متون نگاشته شده برای جلایریان تا کنون فهرستی تهیه نشده است.^۳ از نسخه‌های تولیدشده در قلمرو آنان نیز هنوز فهرستی فراهم نیامده است و لذا تا آن زمان، بررسی دقیق

۱. این نوشته شعری با تخلص «شیخ اویس» دارد و چون پایان حکومت اویس در سال ۷۷۶ ق بوده، احتمال می‌دهم تاریخ این نوشته نادرست باشد.

۲. نسخه مقاصد اللحان (شماره ۵۳۹۰ کتابخانه آستان قدس رضوی، مورخ ۸۲۱ ق) به خط خود مراغی و نمونه‌ای از کتابت‌های او در قلم نسخ است. مجموعه ۳۶۵۱ نورعثمانیه نیز به احتمال بسیار به خط مراغی است، اما متأسفانه رقم ندارد.

۳. بر آنچه پیشتر در خلال مقاله اشاره شد می‌توان این موارد را افزود: نورالدین بن شمس‌الدین محمد اژدری غازان‌نامه را در ۷۵۸ و ۷۶۳ ق به نام اویس جلایری سروده است؛ محمد بن هندو شاه نخجوانی نیز دستورالکاتب فی تعیین المراتب را در ۷۶۷ ق برای اویس نوشته است. همچنین باید به آثار برخی از سراینندگان دربار جلایریان مانند سلمان ساوجی نیز توجه داشت.

نسخه را در «تصویر ۲۸» می‌بینیم که نوعی تعلیق کتابتی تا حدودی مایل به نستعلیق است.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت اینکه دو پایتخت بیلاقی و قشلاقی جلایریان، یعنی تبریز و بغداد، در تنازعات میان جلایریان با دیگر حکومت‌های معاصرشان چند بار به دست خصم افتاده و پس از چندی بازپس گرفته شده‌اند. این تغییر موقتی حکومت‌ها نباید موجب گمراهی شود و بعضاً آثاری که از نتایج سبک جلایری به شمار می‌آیند، به دیگر حکومت‌ها منسوب شوند. بنابراین، آنچه از آثار هنر خوشنویسی و نگارگری را که در نیمه دوم سده هشتم تا یکی-دو دهه آغازین سده نهم در شهرهای تبریز و بغداد پدید آمده باید از دستاوردهای سبک جلایری به شمار آورد.

این موضوع درباره متون نیز صادق است. برای نمونه می‌دانیم که تیمور در سال ۷۸۸ ق آذربایجان را اشغال کرد و این شهر تا مدت‌ها در دست تیموریان بود. در این دوره شماری از پیوستگان دستگاه جلایری با تیموریان همکاری کردند و آثاری به نام ایشان نگاشتند. نمونه شاخص تألیفات، کتاب ظفرنامه است که توسط نظام‌الدین شامی، نویسنده دربار سلطان احمد، برای تیمور گورکانی نوشته شده و دارای رویدادهای زندگی تیمور تا سال ۸۰۶ ق است (صفا، ۱۳۶۹: ۴/۴۷۹).

از دستنویس‌ها نیز می‌توان به نسخه‌ای از اخلاق معزی اثر عبدالمحسن بن محمد الحسینی الطبسی (شماره ۵۶۶۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۷۹۸ ق، به خط مؤلف) اشاره کرد که برای فرزند تیمور، یعنی معزالدین امیرانشاه گورکان (کشته ۸۱۰ ق)، نوشته شده است. نسخه جایگاه کتابت ندارد، اما نویسنده در متن اشاره کرده که ساکن تبریز بوده و متن را هنگام بازگشت امیرانشاه به «مملکت آذربایجان» نوشته است (بشری، ۱۳۹۰: ۴۹۶-۴۹۷). بنابراین، نسخه یادشده، که همان نسخه اصل اثر است، باید در تبریز کتابت شده باشد.^۱ نخستین صفحه نسخه

۱. تیمور حکومت تبریز را در ۷۹۵ ق به پسرش میرانشاه سپرد و چنانکه در منابع یاد شده، میرانشاه حکومت تبریز را در سال ۷۹۸ ق به محمد دواتی و قرابسطام سپرد (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۱۶). احتمالاً در همین سفر است که اخلاق معزی بدو پیشکش شده است.

را در «تصویر ۲۹» می‌بینیم^۲ که باز نمونه‌ای ابتدایی از نستعلیق تبریزی به شمار می‌آید.

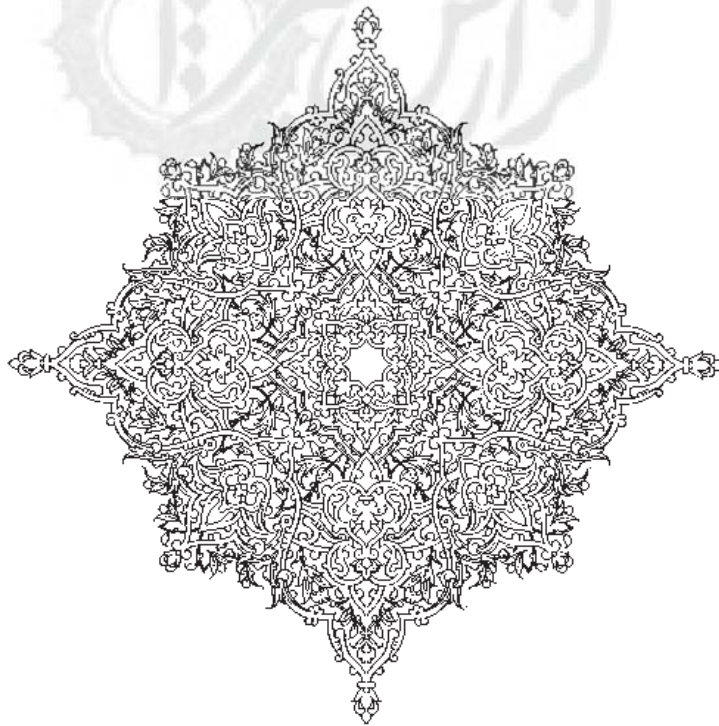
نکته دیگر اینکه اگرچه باشکوه‌ترین نسخه‌های جلایری در دستگاه سلطان احمد پدید آمده است، سفاکی و عیاشی او موجب تزلزل حکومت جلایری و غارت و ویرانی محدوده حکومتی او و به‌ویژه شهر تبریز شده بود. از جمله لشکریان تختمیش (تقتمیش) در سال ۷۸۷ ق به تبریز حمله کردند و سپس نه ماه بعد این شهر توسط تیمور در سال ۷۸۸ ق اشغال شد و در هر دو مورد نیز شهر به طرز جبران‌ناپذیری غارت شد.^۳ در این دوره بغداد کمتر آسیب دید و احتمالاً به همین علت، عمده نسخه‌های بازمانده از دربار سلطان احمد نسخه‌های بغدادی است.

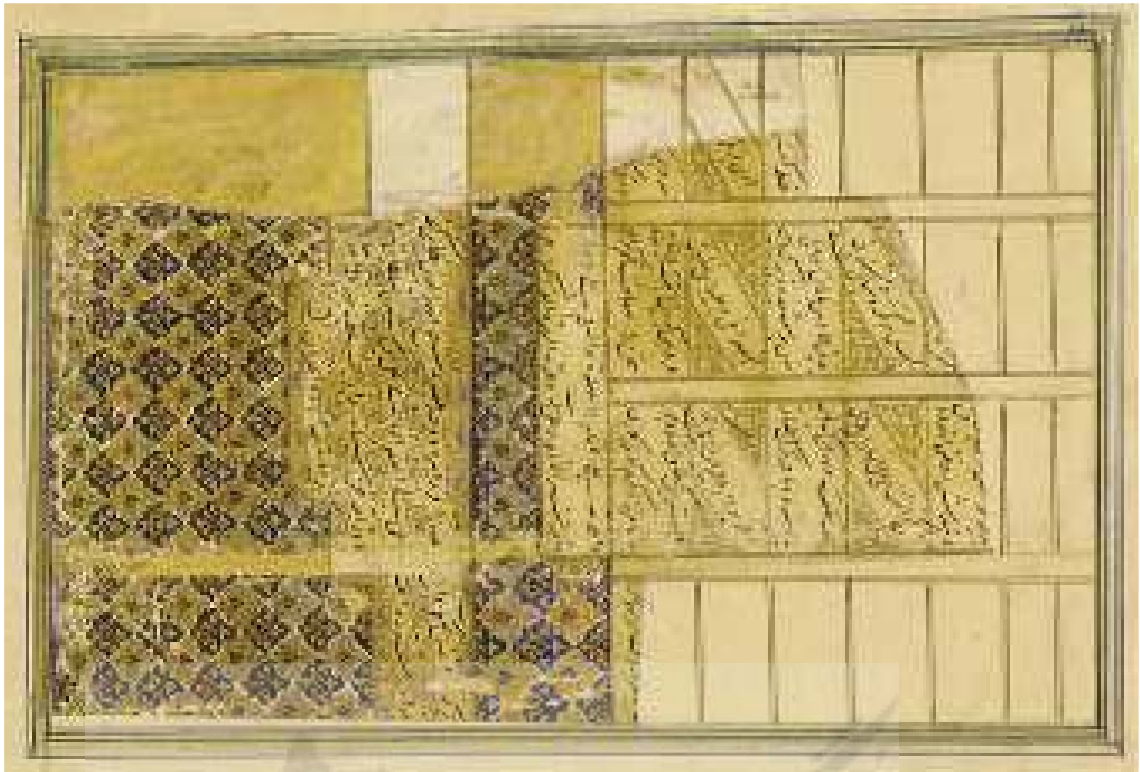
منابع

- آملی، شیخ سیدحیدر (۱۳۶۷). المقدمات من کتاب نصّ النصوص (ج ۱). به کوشش هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی. تهران: انتشارات توس.
 - افشین‌وفایی، محمد (۱۳۹۲). «جعبه آینه کتاب (۱۰)». بخارا، پیاپی ۹۴: ۴۹۶-۵۱۳.
 - اقبال، عباس (۱۳۴۰). «یک نسخه نفیس به خط خواجه نصیرالدین طوسی و امضای الغ بیگ و سلطان احمد جلایری». نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی، دفتر یکم. تهران: دانشگاه تهران.
 - اهری، ابی‌بکر قطبی نجم (۱۳۸۹). تواریخ شیخ اویس (جریده). به کوشش ایرج افشار. تبریز: انتشارات ستوده.
 - ایمانی، بهروز (۱۳۸۳). «همام طبیب، برادر نظام‌الدین شامی». آینه میراث، دوره جدید، س ۲، ش ۴ [زمستان]، پیاپی ۸۱-۸۹: ۲۷.
 - ایمانی، بهروز (۱۳۹۸). ← نظام‌الدین شامی، ۱۳۹۸.
 - بخاری، محمد بن دوست محمد (۱۳۷۲). «فوائد الخطوط». در: کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. به کوشش نجیب مایل
۲. با سپاس از دوست گرامی آقای دکتر جواد بشری که تصویر نسخه را در دسترس قرار دادند.
۳. پیش از آن نیز تبریز در سال ۷۵۹ ق به مدت چند ماه توسط امیر مبارزالدین مظفری اشغال شد و باز دوباره جلایریان آن را به دست آوردند (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۸۹-۵۹۰). همچنین این شهر در سال ۷۷۷ ق برای مدتی توسط شاه‌شجاع تصرف شد، اما در این رویدادها تبریز آسیب جدی ندید.

- هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ص ۳۵۷-۴۵۶.
- بشری، جواد (۱۳۹۰). «اخلاق معزی: رساله‌ای در اخلاق به فارسی از قرن هشتم». در: متون ایرانی (دفتر یکم). به‌کوشش جواد بشری. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۴۹۳-۵۹۲.
- _____ (۱۳۹۷). «پابرج (۱۳)». آینه پژوهش، س ۲۹، ش ۳ [مرداد و شهریور]، پیاپی ۱۷۱: ص ۱۰۳-۱۳۰.
- بلر، شیلا (۱۳۹۶). خوشنویسی اسلامی. ترجمه ولی‌الله کاوسی. تهران: فرهنگستان هنر.
- بیانی، مهدی (۱۳۵۳). «یک مجموعه اشعار فارسی ناشناخته از قرن هشتم هجری». نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷: ۶۷۵-۶۸۳.
- _____ (۱۳۶۳). احوال و آثار خوشنویسان (ج ۴، ۲ مج). تهران: انتشارات علمی.
- جدی، محمدجواد و حمیدرضا قلیچ‌خانی (۱۳۸۸). «جعفرزاده قاضی و مجموعه بی‌نظیرش». پیام بهارستان، دوره ۲، س ۱، ش ۴ [تابستان]: ۷۷۸-۸۰۶.
- حسینی، سید احمد (۱۳۶۲). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی. قم: انتشارات کتابخانه.
- خواجوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۹۳). سه مثنوی خواجوی کرمانی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۶). «نسخه‌های خطی در نمایشگاه هاراسویتس». راهنمای کتاب، س ۲، ش ۵-۷ [مرداد - مهر]: ۴۵۳-۴۶۵.
- رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن بن محمد (۱۳۴۱). حقایق الحدایق. به‌کوشش محمدکاظم امام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۲۵). انیس العشاق. به‌کوشش عباس اقبال. تهران: انجمن نشر آثار ایران.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۳). جلوه‌های هنر پارسی. ترجمه ع. روح‌بخشان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سبزواری، فتح‌الله بن احمد بن محمود (۱۳۴۲). «اصول و قواعد خطوط سته». در: فرهنگ ایران‌زمین (دفتر ۱۱). به‌کوشش ایرج افشار. ص ۱۰۳-۱۳۳.
- _____ (۱۳۷۲). «اصول و قواعد خطوط سته». در: کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. به‌کوشش نجیب‌مایل هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ص ۱۰۵-۱۴۴.
- سبزواری [؟]، فتح‌الله بن احمد بن محمود (۱۳۹۱). «رساله در اصول و قواعد خطوط سته» [چاپ عکسی و متن تصحیحی]. مقدمه علی صفری آق‌قلعه و تصحیح حامد اعتصام. در: متون ایرانی (دفتر سوم). به‌کوشش جواد بشری. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۷۵۳-۸۴۰.
- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (۱۳۷۶). تحفة المحبتین. به‌کوشش کرامت رعناحسینی و ایرج افشار. تهران: نشر نقطه و دفتر نشر میراث مکتوب.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ترجمه ناهید محمد شمیرانی. تهران: نشر کارنگ.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران (ج ۵). تهران: انتشارات فردوس.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۶). «کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری». گزارش میراث، پیاپی ۷۸-۷۹: ۲۳-۳۶.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۴۸). ترجمه صورالکواکب (چاپ عکسی نسخه ایا صوفیا). با مقدمه پرویز ناتل خانلری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عصار تبریزی، محمد بن محمد (۱۳۹۳). مهر و مشتری (چاپ عکسی نسخه کتابخانه عارف حکمت). به‌کوشش بهروز ایمانی. تهران: انتشارات بنیاد شکوهی.
- فردوسی، علی (۱۳۹۶). «زندگی نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش». گزارش میراث، دوره ۳، س ۲، ش ۱-۲ [بهار-تابستان]: ۱۲-۱۷.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۶۰). تعلیم خط. تهران: انتشارات سروش.
- قصة‌خوان، قطب‌الدین محمد (۱۳۷۲). «دیباچه قطب‌الدین محمد قصة‌خوان». در: کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. به‌کوشش نجیب‌مایل هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ص ۲۷۹-۲۸۸.

- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). گلستان هنر. به‌کوشش احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات منوچهری.
- کونل، ارنست (۱۳۸۷). «تاریخچه نقاشی مینیاتور و طراحی». ترجمه سیروس پرهام. در: سیری در هنر ایران (ج ۵). زیر نظر آرتروپ و فیلیس اکرم‌ن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ص ۲۰۹۵-۲۱۵۸.
- مایل‌هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- محدث، علی (۲۰۰۸). بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی. اویسالا: انتشارات دانشگاه اویسالا.
- مرادی، ارحام و نسیم عظیمی‌پور (۱۳۹۲). «دقایق الشعر و مؤلف آن بر پایه تحریری تازه‌یاب از کتاب». فصلنامه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، س ۲۱، ش ۲۰، پیاپی ۷۵: ۹۷-۱۰۹.
- مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۳). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی (ج ۳۲). قم: انتشارات کتابخانه.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران: انجمن آثار ملی.
- نظام‌الدین شامی، علی بن محمد بن ابی طالب تبریزی (۱۳۹۸). ریاض الملوک فی ریاضات السلوک. به‌کوشش بهروز ایمانی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار و نشر سخن.
- نظام‌شامی، علی بن محمد واعظ (۱۳۴۱). «مجدولی در ذکر عترت نبی (بی حرف الف)». به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۹، ش ۴ [تیرماه]، پیاپی ۳۶: ۹۰-۱۱۰.
- نظام‌شامی، علی بن محمد بن ابی طالب نظام تبریزی (۱۳۸۸). «ربیعیه و رحیقیه». به‌کوشش بهروز ایمانی. میراث بهارستان، دفتر اول: ۱۹-۸۹.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۴). «خوشنویسی» (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا). ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- BLAIR, Sheila S. (2006). *Islamic Calligraphy*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- MINORSKY, V. (1959). *Calligraphers and Painters: A treatise by Qadi Ahmad, Son of Mir-Munshi* (c. A. H. 1015/A. D. 1606). Washington: Freer Gallery of Art.



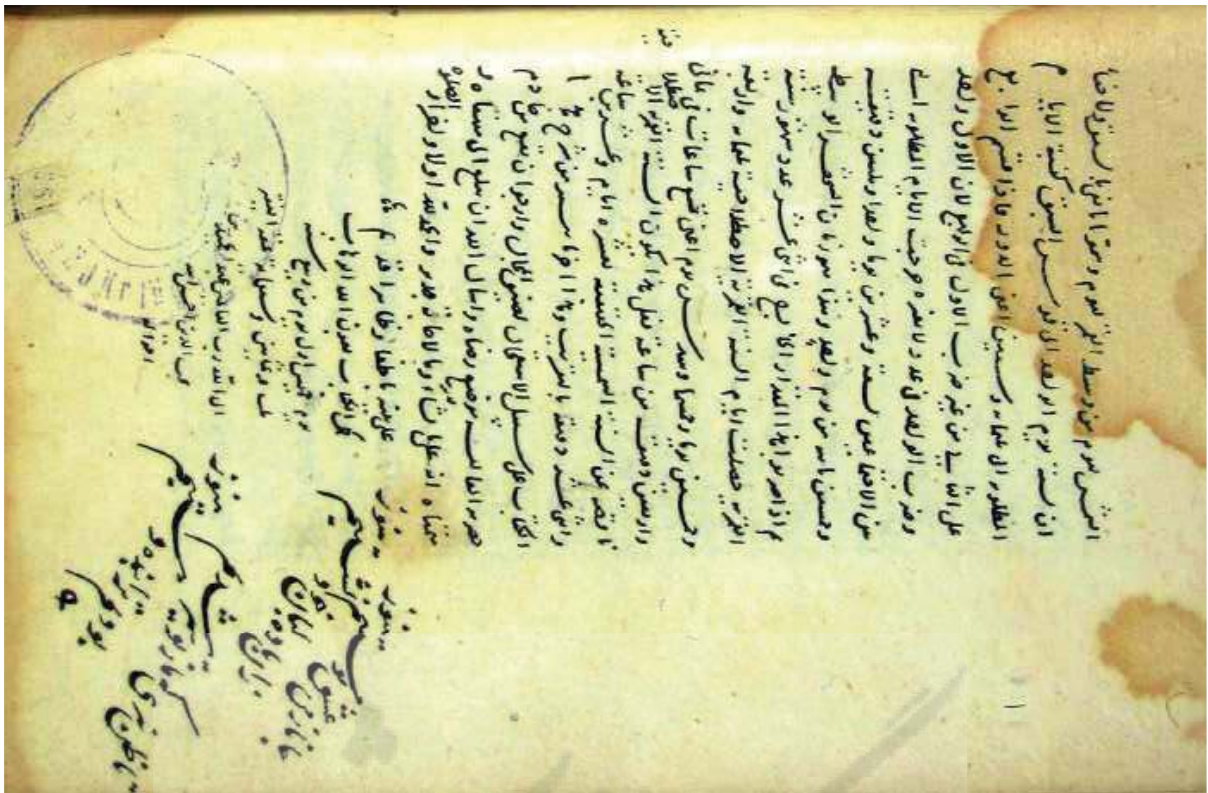


تصویر ۱. انجامه خسرو و شیرین نظامی (نسخه ۱۹۳۱، ۲۹ F کالی‌بریم، تبریز، ایران)

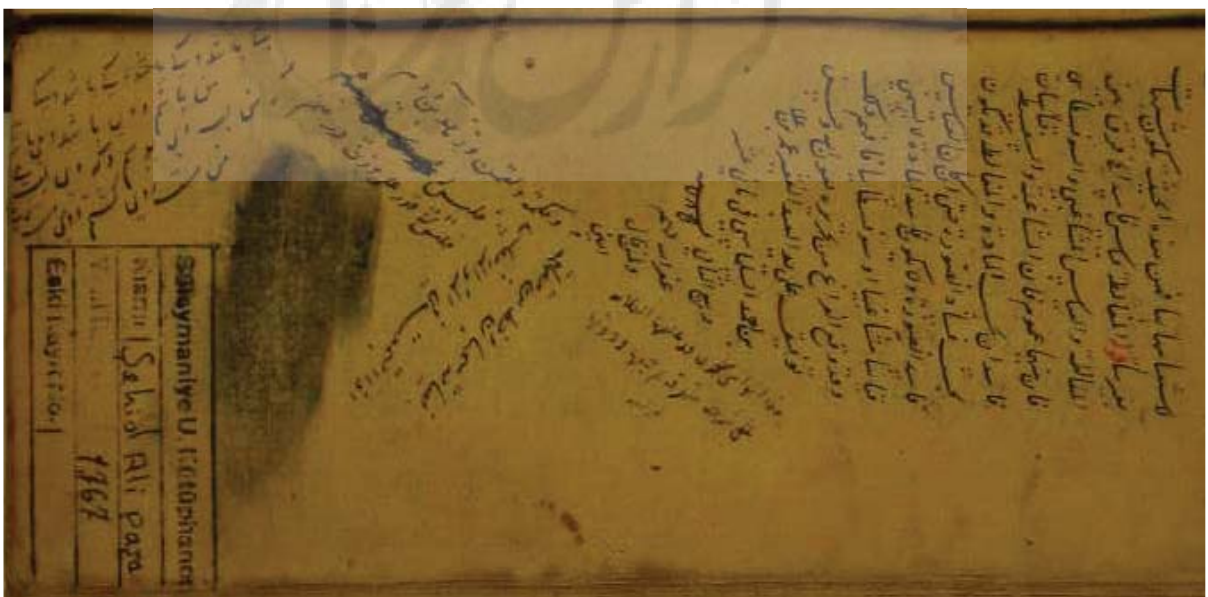


تصویر ۲. انجامه منظومه حکمالنامه از سه منظومه خواجوی کرمانی (نسخه ۱۸۱۱۳ add کتابخانه تبریز، تاریخ ۱۳۷۸ ق)

تصویر ۵. انجمنه شرح المخلص فی الهیئة (مجموعه ش ۲۷۷ کتابخانه تبریزی) ۱۶۸۵-۱۶۸۶ (ب)



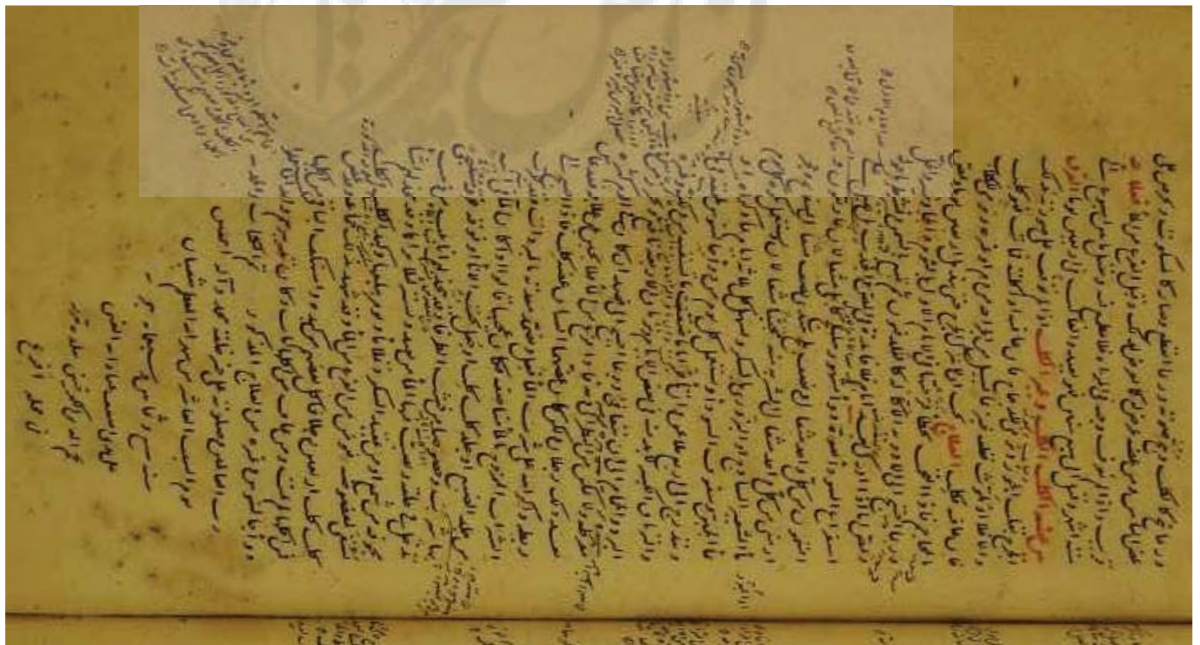
تصویر ۶. انجمنه حاشیه شرح المطالع (نسخه ۱۷۶۷ کتابخانه شهید علی پاشا) مورخ ۷۸۵ ق



تصویر ۱۰: انجمنه ماجراجاه (مجموعه کتب خطی صفوی) در تبریز، ۱۰۸۱ هجری قمری (۱۶۷۰ میلادی)



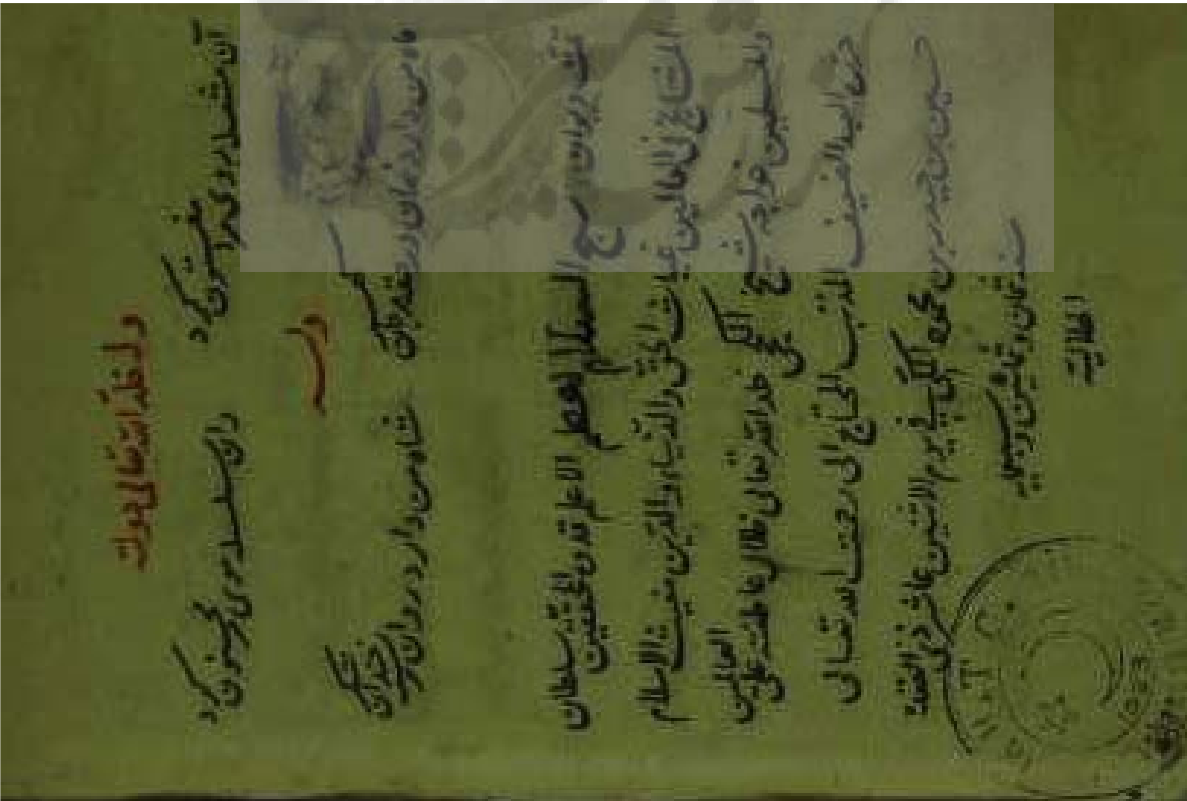
تصویر ۱۱: انجمنه موجز القانون (نسخه ۹۸۵) مجموعه فاضل احمد پاشا در کتابخانه کورنول، مورخ ۱۷۸۷ ق



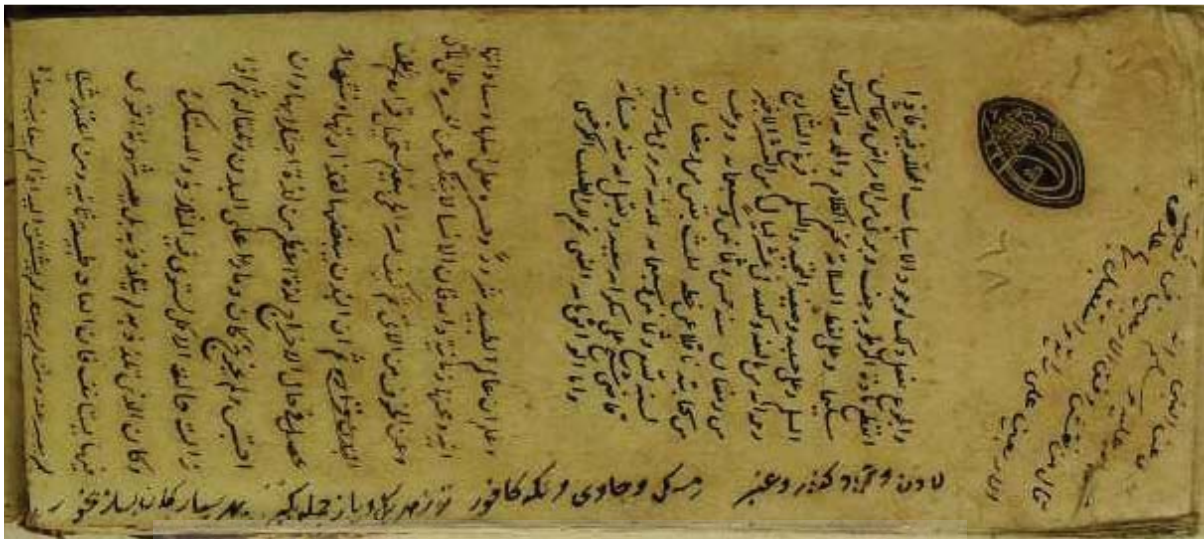
تصویر ۱۱. انجامه شرح المطلاع اثر قطب الدین زاری (نسخه ۱۲۶ کتابخانه حسن حسینی پاشا)



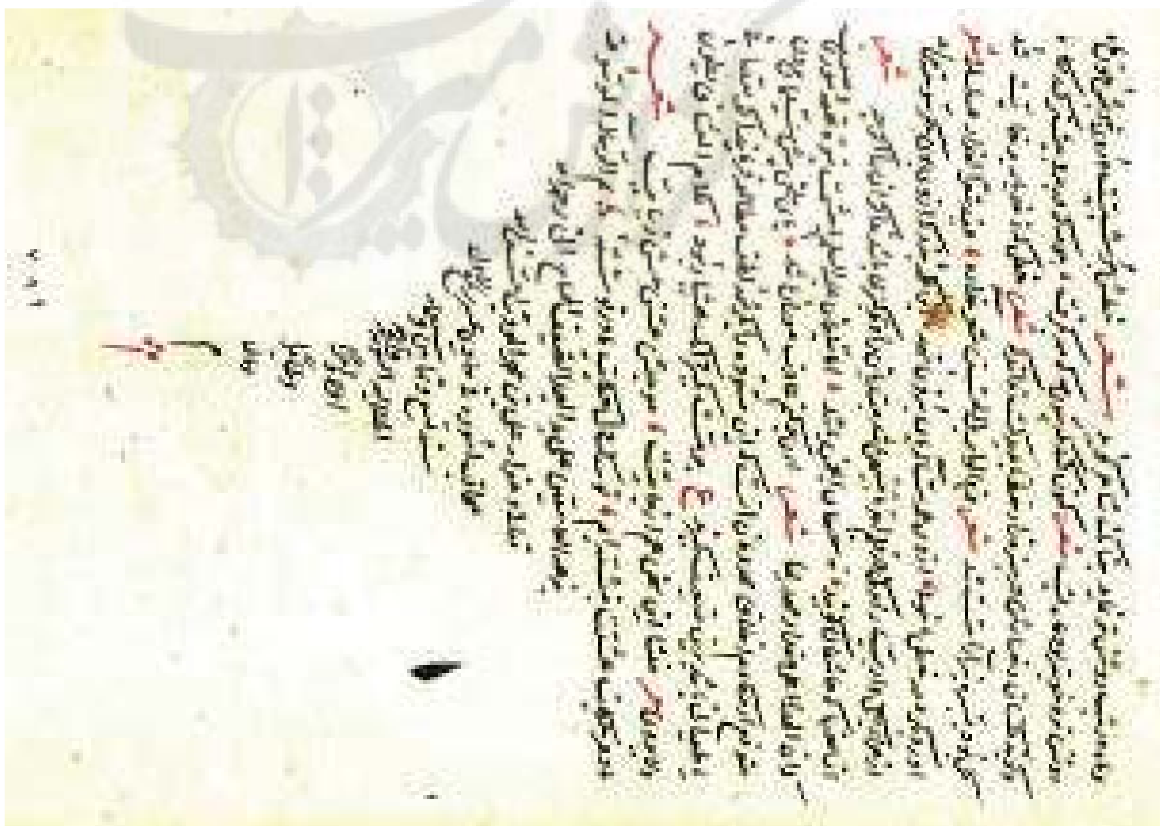
تصویر ۱۲. انجامه دیوان خواجه شیخ کجی (نسخه ۷۷۱ کتابخانه راشداقدسی در قیصریه، مورخ ۱۷۸۸ ق.)



تصویر ۱۳. انجمنه حاشیه و سایل الوصول الی سایل الفصول (نسخه ۸۷۰ ه‍.ق) کتابخانه شهید علی یاشا



تصویر ۱۴. انجمنه نزهة العاشقین (مجموعه ش ۲۷۰۳ کتابخانه شهید علی یاشا)



تصویر ۱۷. انجمنه التفسیر فی علم الهیة (نسخه ۱۷۸۲) کتابخانه جلال الله، تبریز ۱۳۸۰ ق

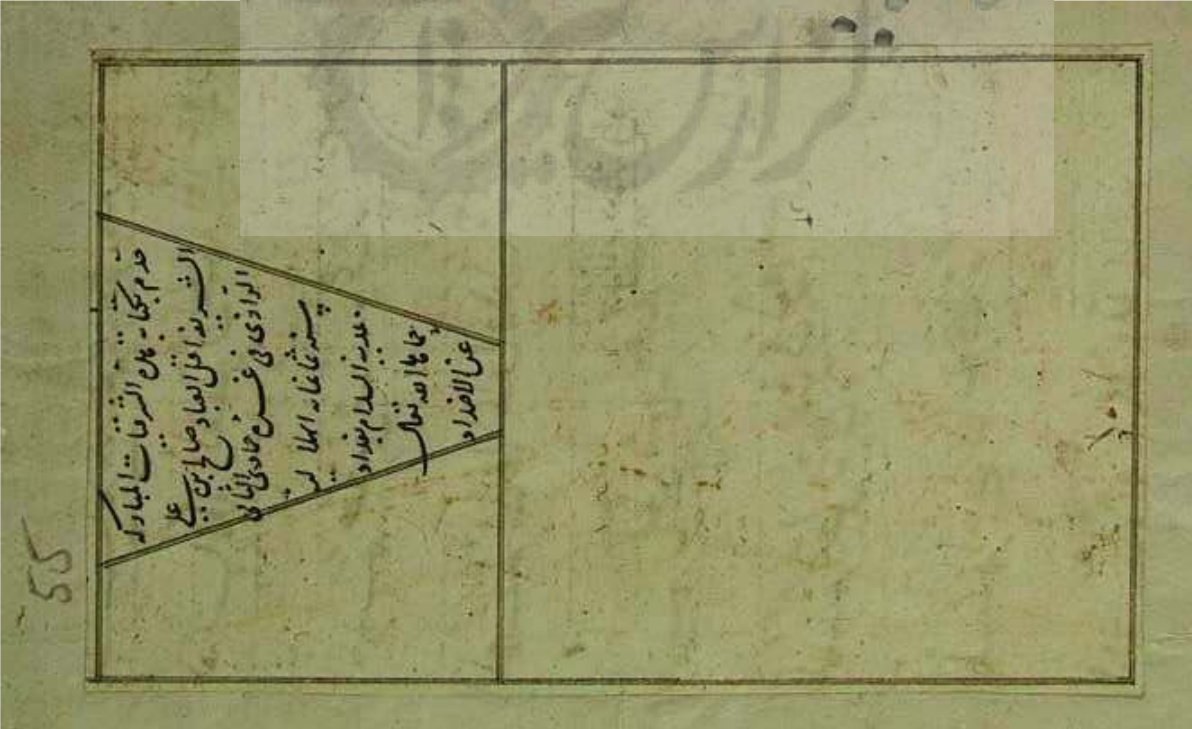


تصویر ۱۸. انجمنه کلیده و منه بهر مشاهی (نسخه ۱۱۳) بیروت فارسی کتابخانه ملی فرانسه، تبریز ۱۳۸۴ ق



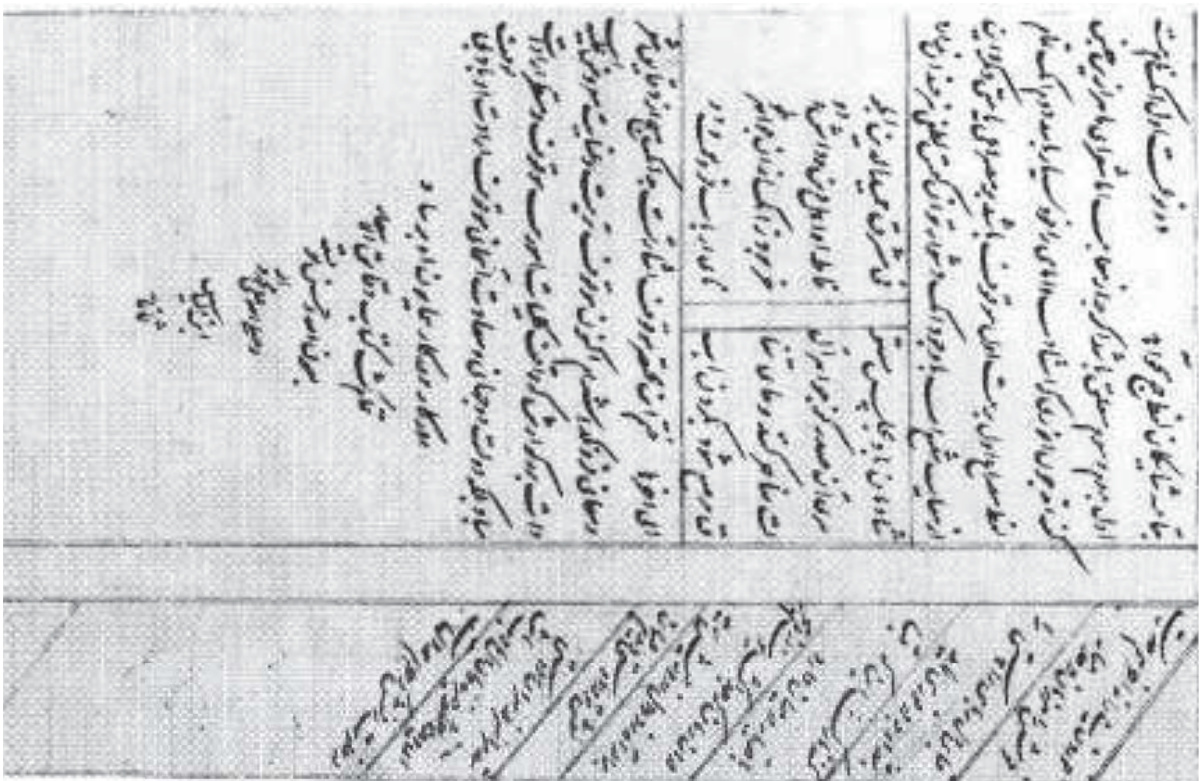


تصویر ۱۹. انجامه دیوان سلطان سلوچی (به نشانی B203 در مجموعه جعفرزاده قاضی)

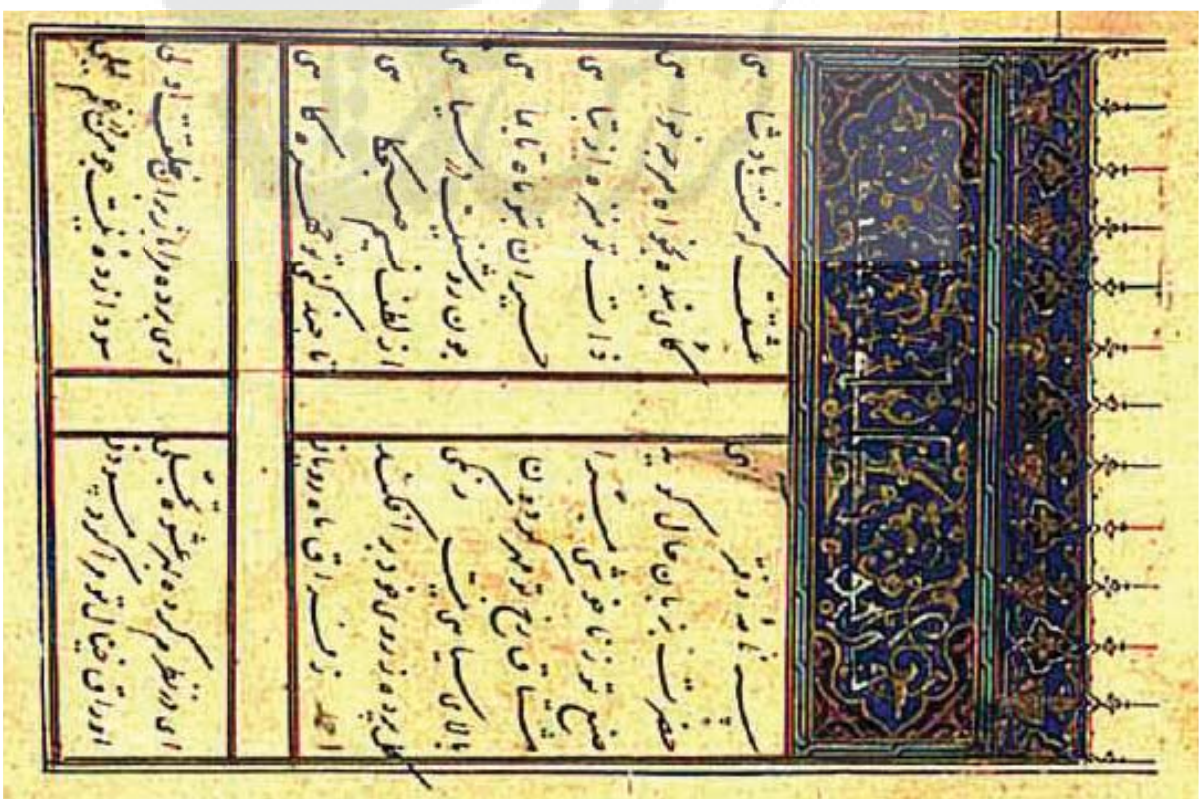


تصویر ۲۰. انجامه دیوان سلطان احمد جلایر (نسخه ۲۹۲۴ کتابخانه ایاصوفیه، مورخ ۸۰۰ ق)

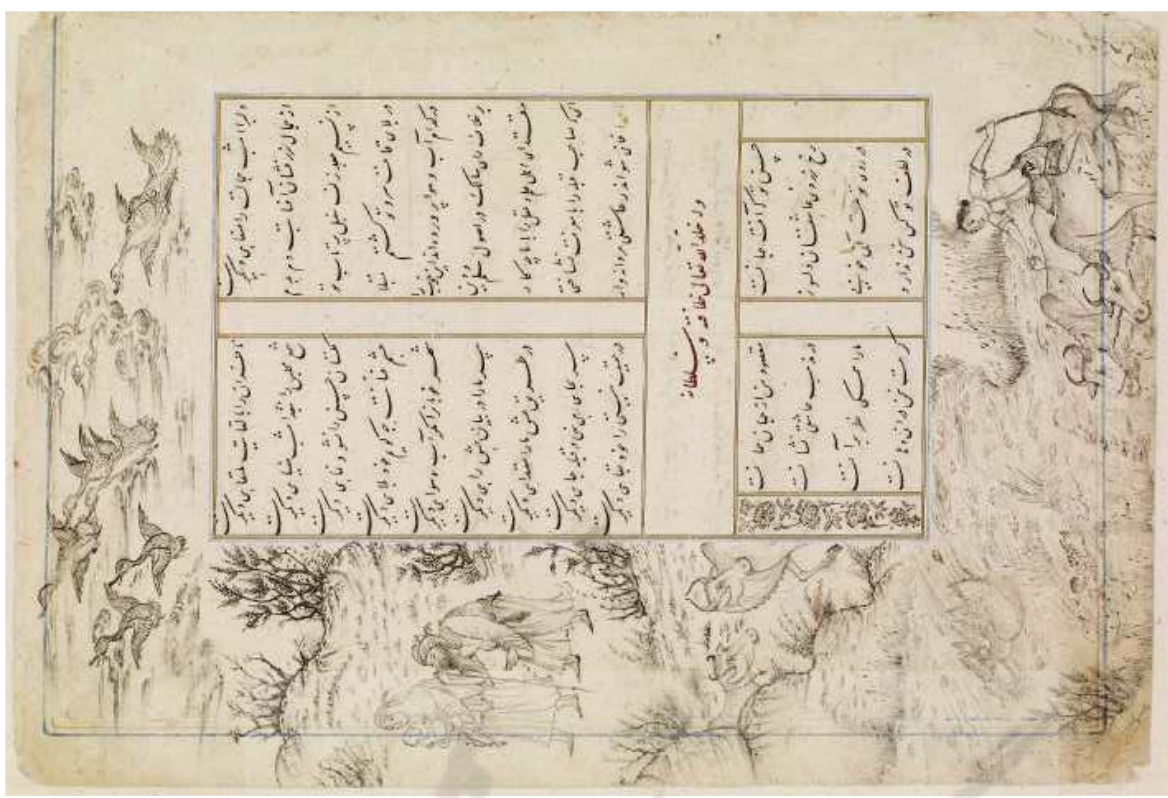
تصویر ۳۱. انجمن‌نامه و مجله و معانی از پیش اثر امین (تصحیح) ۱۸۶۹-۱۸۷۱ میلادی/ ۱۲۹۰-۱۲۹۲ شمسی. تاریخ: ۱۳۰۰ ق



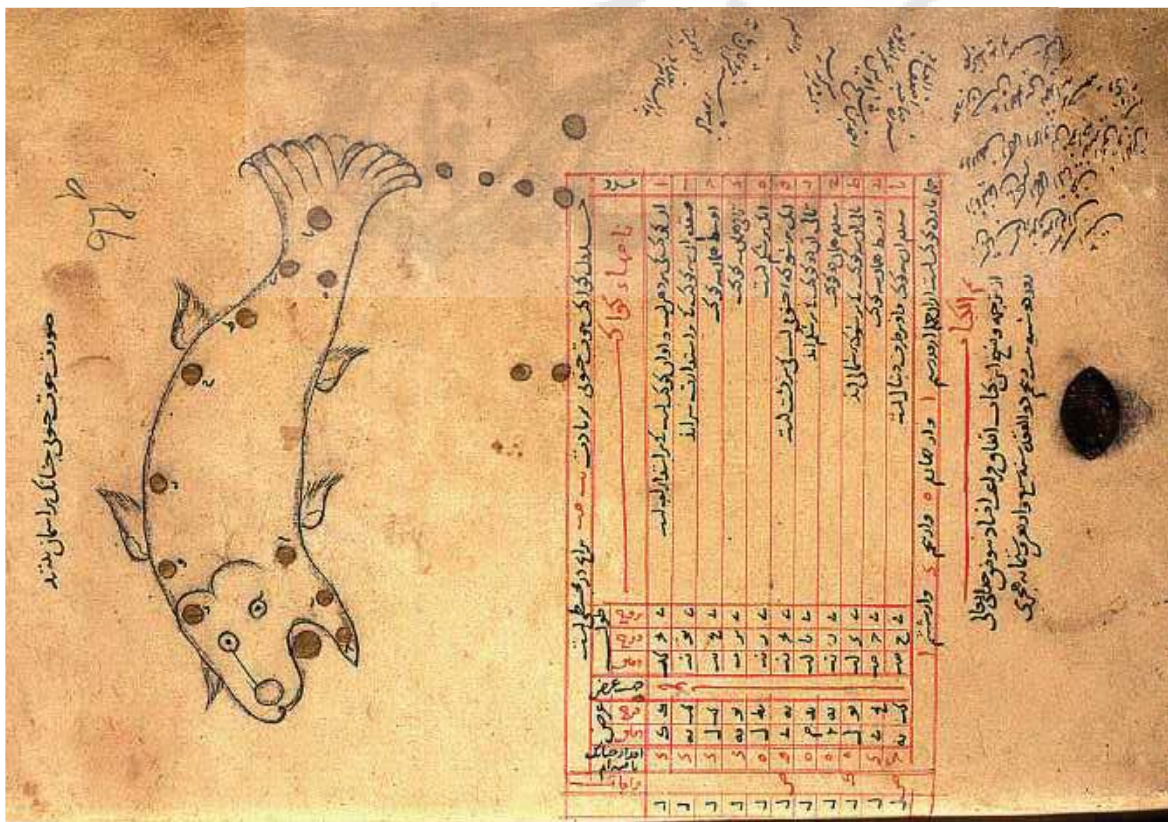
تصویر ۳۲. صفحه نخست از دیوان سلطان احمد چالو (ش ۲۲۳) کتابخانه آستان قدس



تصویر ۲۳. یکی از صفحات دیوان سلطان احمد جلاویز (F1932.29) کاری مهر فریر، بی تا، بی کا



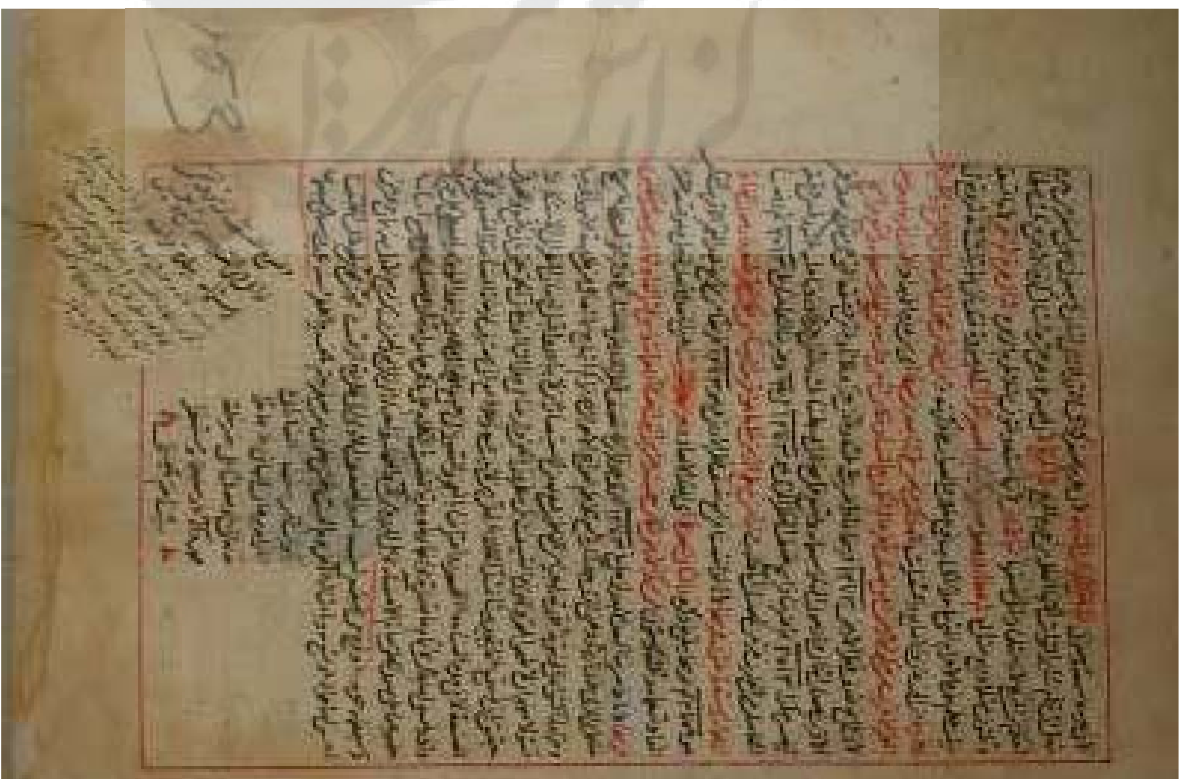
تصویر ۲۴. یادداشت تملک در صفحه انجامه ترجمه صورت الکتاب (نسخه ۲۵۹۵ کتابخانه باصوفیاء، مورخ ۲۴۷ قوی)



تصویر ۱۵. انجمنه ترجمه مقامات حروری (نسخه ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹ کتابخانه قاجاریه)



تصویر ۱۶. انجمنه بیان الفتوه (نسخه ۶۹۲ کتابخانه توسیفاقا، مورخ ۷۷۳ق در ابواب الرشید غازی)





تصویر ۲۸. صفحه نخست از اخلاق معری (نسخه ۵۶۶۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۷۹۸ ق، به خط مؤلف)